توانا بود هر که دانا بود

کتاب سوم ابتدایی

۱۳۲۲

شرکت چاپخانهٔ تابان

و تمیز است دیوار ها را سفید کرده اند میز و نیمکتها را رنگ زده اند و مرتّب چیده اند میز آموزگار و تخته سیاه هردو را در جای مناسب گذاشته اند .

شما هم که کتاب و اسباب کار خود را حاضر کرده‌اید کارگران را هم دیده اید که هیچ کدام بی افزار و اسباب سر کار نمیروند بنا با خود تیشه و ماله میبرد هیزم شکن تبر دارد آهنگر با چکش وسندان کار میکند امّا اسباب شما نو آموزان همان کتاب و کتابچه و مداد و قلم و دوات و ستاره است که در کیف خود گذاشته اید یقین دارم که طرز بکار بردن آن را میدانید و میتوانید تکالیف خود را خوب انجام بدهید و کتابتان را که داستانهای شیرین دارد بخوانید و یاد بگیرید .



نخستین روز درس

فرزندان عزیز من خدارا شکر که همه شما را تندرست و خوشحال می بینم معلوم میشود تعطیل تابستان را خوش گذرانده اید زیرا همه بزرگ و قوی هستید و برای درس خواندن هم خوب آماده شده اید اطاق درس ما هم قدری بهتر شده است ببینید چه قدر پاك

از روی صفحهٔ زیر که مطابق دستور صفحهٔ پیش نوشته شده با قلم نی و مرکب خوب یک بار بنویسید

فریدون پاکزاد — نخستین روز درس — کلاس سوم

۱ مهرماه ۱۳۲۲

فرزندان عزیز من خدا را شکر که همه شما را تندرست و خوشحال می‌بینم معلوم میشود
تعطیل تابستان را خوش گذرانده‌اید زیرا همه بزرگ و قوی هستید و برای درس خواندن هم خوب
آماده شده‌اید اطاق درس ما هم قدری بهتر شده است ببینید چقدر پاک و تمیز است —
دیوارها را سفید کرده‌اند میز و نیمکتها را رنگ زده‌اند و مرتب چیده‌اند میز آموزگار و تخته
سیاه هر دو را در جای مناسب گذاشته‌اند .

شما هم که کتاب و اسباب کار خود را حاضر کرده‌اید کارگران را هم دیده‌اید که
هیچکدام بی افزار و اسباب سر کار نمیروند بنا با خود تیشه و ماله میبرد هیزم شکن
تبر دارد آهنگر با چکش و سندان کار میکند اما اسباب کار شما نوآموزان همان کتاب و
کتابچه و مداد و قلم و دوات و ستاره است که در کیف خود گذاشته‌اید یقین دارم که طرز
بکار بردن آنرا میدانید و میتوانید تکالیف خود را خوب انجام بدهید و کتابتان را که داستانهای
شیرین دارد بخوانید و یاد بگیرید .

علم الاشیاء ـ گفتگو دربارهٔ کیف مدرسه (چرم - تسمه ـ حلقه . . .) و آنچه در آن میگذارند (کتاب ـ کتابچه - قلم ـ سرقلم - مداد - مداد پاك کن - ستاره) وچگونگی آنها (نو — کهنه — برّاق — تار — محکم . . . . . .)

این کیف (یکی از کیفهای شاگردان) ازچه ساخته شده است ؟ ـ آیا نواست یا کهنه ؟ ـ آیاچرم آن برّاق است یا تار ؟ — در این کیف چه چیز ها میگذارند ؟

استعمال لغات — ۱ـ بجای نقطه ها کلمهٔ مناسبی قرار دهید :

شاگرد از روی . . . میخواند — او در . . . . مینویسد — او در کتابچه با . . . . مینویسد وی تخته سیاه با . . . . مینویسد — او با . . . . یك خط راست میکشد — او با . . . . پاك میکند .

۲ـ در کلاس هرچه می بینید نام ببرید و جای آنرا نیز معین کنید :

مثال : **میز آموزگار درگوشهٔ** اطاق قرار گرفته است . . . .

تکلیف را چگونه باید نوشت

در تکلیفهای کتبی دستورهای پایین را بدقت اجرا کنید :

۱ — پیش از شروع بکار دوات وقلم ومداد وستاره و کتاب . . . . را حاضر کنید .

۲ — اسمتان را همیشه طرف دست راست بالای صفحه بنویسید .

۳ — تاریخ را زیر اسم بنویسید .

٤ — نام کلاس را درطرف دست چپ مقابل اسمتان بنویسید .

٥ — عنوان حکایت را در وسط سطر بنویسید .

٦ — کلمهٔ اول تکلیف باید دوسانتیمتر ازلبهٔ کاغذ فاصله داشته‌باشد .

۷ — فاصلهٔ بقیهٔ سطر ها فقط یك‌سانتیمترباشد .

۸ — درطرف چپ وزیرصفحه هم کمی حاشیهٔ سفید بگذارید .

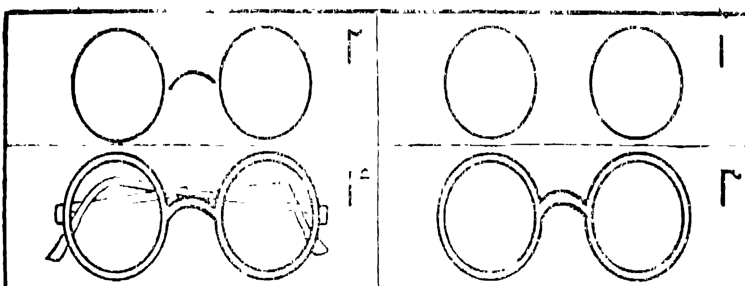
۹ — اگر کاغذتان خط دار باشد روی خطهای کاغذ بنویسید .

۲ـ عبارتها و کلمه‌های زیر را در کلاس چند بار بنویسید و ملتفت باشید که نقطه ها و دندانه ها و سرکشهای کاف و گاف را فراموش نکنند :

بی‌سواد و عینك ـ از وقتی که نخواندن و نوشتن داشت ـ مغازهٔ عینك‌فروشی ـ صاحب مغازه ملتفت شد ـ یکراست بمغازه رفت

۳ ـ **بازگویی حکایت** ـ این حکایت را برای همشاگردان بگویید (موقع گفتن حکایت جلوی کلاس بایستید تا همهٔ شاگردان شما را ببینند راست بایستید و دستهایتان را در کنار خود نگهدارید بلند و شمرده حرف بزنید)

٤ ـ **نقاشی** ـ مطابق این اشکال بترتیب شماره بکشید .



بی سواد و عینك

خداداد ده نشین و بی سواد بود اما دلش میخواست با سواد باشد یك روز یك نفر شهری را دید که عینك بچشم میزند و می‌خواند خیال کرد عینك آدم بیسواد را با سواد می کند از شوقی که بخواندن و نوشتن داشت همان روز روانهٔ شهر شد و یکراست بمغازهٔ عینك فروشی رفت و عینك خواست هر عینك که آوردند بچشم گذاشت نتوانست بخواند گفت عینکی که با آن خط می‌خوانند بیاورید صاحب مغازه ملتفت شد گفت اوّل بفرمایید ببینم سواد دارید یا نه ؟ گفت اگر سواد داشتم عینك برای چه میخواستم ؟

---

۱ — **پرسش**— خداداد چرا عینك میخواست ؟— بکجا رفت عینك بخرد ؟— عینك خرید یانه ؟ — چرا ؟ — عینك فروش باو چه گفت ؟ — اوچه جواب داد ؟

ظرف را من بدبستان آورده ام تا شما طرز شنا کردن این جانور را ببینید.

ـ منیژه باتعجب گفت مگر ماهی هم جانور است؟ ماهی کـه مثل گربه یا سـگ نیست.



ـ آموزگـار گفت درست میگویی ماهی شکل گربه و سك نیست اما ماهی مثل سـگ و گربه جانور است



حیوانات گوناگون هستند بعضی بزرگند و بعضی کوچك.

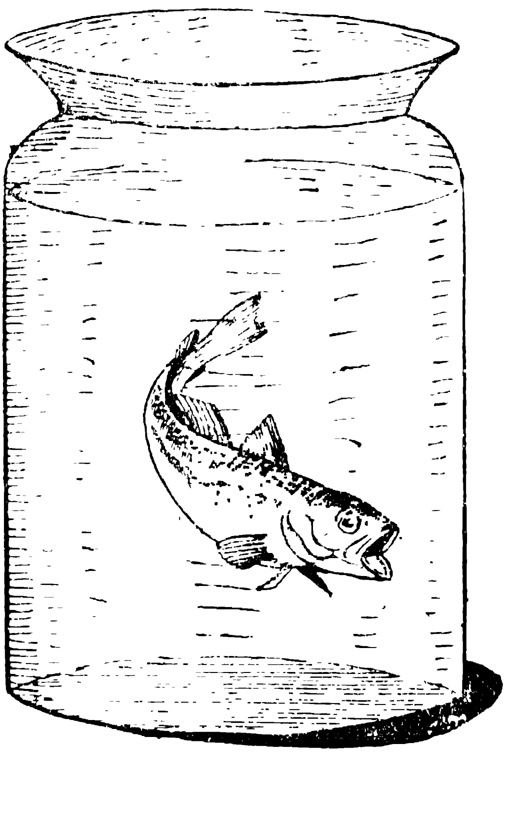
پروانه که دختر کوچکی بود ازآموزگار پرسید پرندگان هم جانورند؟

ـ آموزگار گفت بلی آنهاهم جانورند

موجود های زنده

جانوران

دو برادر جمشید و منوچهر بدبستان میروند هر دو در کلاس سوم هستند پروین دختر همسایه هم بهمان دبستان میرود و با آنها همدرس است.



یك روز صبح آموزگار در کلاس ظرفی از شیشه آورد که ماهی در آن بود پروین پرسید این را کی آورده است
— آموزگار بخنده گفت این

حشره هم جانور است

— پروانه گفت پس پشه هم



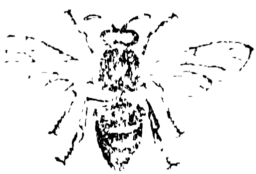
حشره است

— آموزگار گفت



آری! مورچه و زنبور

هم حشره‌اند وحشرات



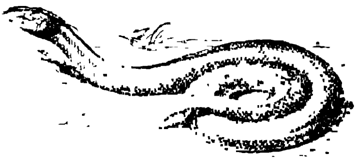
همه جانورند

— پروین گفت پس

جانوران شکلهای گوناگون دارند

— منوچهر زود جواب داد بلی در این موقع چشم منوچهر بمورچه یی افتاد وبآموزگار گفت نگاه کنید این جانور چه قدر کوچك است آیا جانوری کوچکتر از این هم هست ؟

— آموزگار گفت بلی از این کوچکتر هم هست که بزحمت میتوان با چشم دید ولی همه این جانورها زنده‌اند وزندگانی می کنند



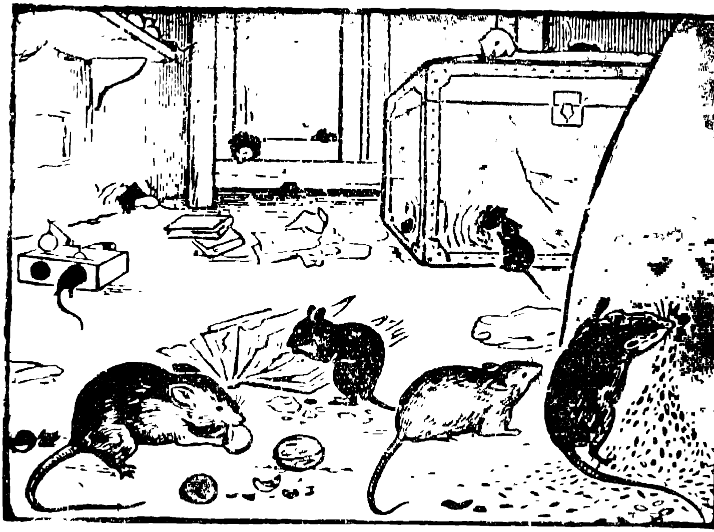
– جمشید پرسید
مار هم جانور است ؟
– آموزگار جواب
داد بلی مار هم جانور است



– پروین پرسید
قورباغه و لاك‌پشت هم
جانورند ؟
– آموزگار جواب داد بلی قورباغه و لاك
پشت هم جانورند
– منوچهر گفت من موجودی را می‌شناسم
که جانور نیست
– شاگردان گفتند بگو ببینم آن چیست ؟
– گفت مگس پدرم



میگوید مگس حشره است
– آموزگار گفت بلی
پدرت درست میگوید مگس حشره است اما



موش

موش وقتی که گرسنه میشود از سوراخ خود بیرون می‌آید و هرچه از خوراك یا پوشاك بیابد میجود و میخورد در انبار ها بی سر و صدا از این طرف بآن طرف میرود وهمین که خوردنی پیدا کرد میایستد وبخوردن مشغول میشود موش جانوری است موذی و بلای خانه و انبار است این جانور از هیچ چیز رو گردان نیست کیسه های خوراك را

یعنی اول بدنیا میآیند غذا میخورند نفس میکشند بزرگ میشوند و آخر میمیرند .

---

۱ – **پرسش** – چند جانور بزرگ را نام ببرید – چند جانور کوچك را نام ببرید – آیا جانورها همه راه میروند ؟ – جانوری که در آب شنا میکند اسمش چیست ؟ – جانورانی که پردارند و در هوا پرواز می کنند نامشان چیست ؟ – آیا جانورها زنده هستند ؟ – یعنی چه ؟

۲ – **نقاشی** – شکل جانوری را که دوست دارید بکشید

۳ – **کاردستی :**

الف – پس از کشیدن شکل جانور آنرا ببرید ودردفترچهٔ **مخصوص** خود بچسبانید .

ب – بهمین طریق عکس هر جانوری که بدستتان میآید (اگر کسی آن رالازم ندارد) ببرید ودر دفترچهٔ خود بچسبانید ونام آنرا هم اگر می دانید زیرش بنویسید .



جای پای شیر

شکارچیی درجنگل هیزم شکنی رادید و از او پرسید آیا میتوانی جای پای شیر را بمن نشان بدهی تا اورا شکاربکنم؟ هیزم‌شکن جواب داد من در این نزدیکی شیری دیدم زود باش الان باو میرسی.

شکارچی بیچاره رنگش پرید و برخود لرزید و گفت من جای پای شیر را میخواستم نه خود شیر را.

۱ — پرسش ـ شکارچی از هیزم شکن چه پرسید؟ ـ هیزم شکن چه جواب داد؟ ـ شکارچی چرا رنگش پرید؟

سوراخ می کند لباس و کاغذ و کتاب را
میجود گردو و فندق را میشکند گندم و
عدس و لوبیا و نخود را میخورد چوب و
دیوار را سوراخ می کند وبا دندان های تیز
خود سخت ترین چیز ها را میبرد و ریز ریز
میکند اما گاهی هم بتله می افتد یا گرفتار
پنجهٔ گربه میشود .

۱ـ پرسش ـ موش چه وقت از سوراخ خود بیرون می آید؟ موش چه چیزهارا میجود ومیخورد؟ ـ در انبارها وقفسه‌ها وپای دیوارها چه نوع خرابی میکند؟ ـ خانه دارها برای دفع موش چه می کنند؟ ـ موش بلای خانه و انبار است یعنی چه؟ ـ از هیچ چیز رو گردان نیست یعنی چه؟

۲ـ املا ـ این کلمات را چند بار بنویسند تااملای آنها راخوب یادبگیرند
گرسنه ـ موذی ـ کیسه ـ تله ـ مشغول ـ کاغذ ـ بی سروصدا ـ طرف

۳ـ تکلیف ـ حکایت را یک بار دیگر بادقت بخوانند و کارهایی را که موش می کند یکی یکی بنویسند بدین طریق: موش از سوراخ خود بیرون میآید ـ هر چه بیابد میجود ومیخورد . .

کوروش و همبازیهای او

کوروش از پادشاهان بزرگ ایران قدیم است این پادشاه در کودکی در خانهٔ چوپانی بود و همه او را پسر آن چوپان می‌دانستند در باریها همیشه کوشش داشت که رئیس(۱) و بزرگتر باشد و بهمبازیهای خود فرمان و دستور بدهد یك روز همبازیهایش اورا شاه خود قرار دادند و او مانند پادشاه بنای فرمان دادن گذاشت و بچه ها را چند دسته کرد یك دسته را سربازان خود کرد و یك دسته را مأمور(۲) کرد که قصری برای او بسازند وچند تن را هم بازرس دیگران قرار داد.

در میان‌بازی یکی از بچه ها که پسر وزیر بود

---

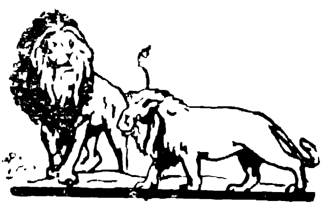
(۱) نام حرف دوم کلمهٔ (رئیس) همزه است املای این کلمه را بهمین طریق یاد بگیرید.

(۲) نام حرف دوم کلمهٔ (مأمور) همزه‌است املای این کلمه را بهمین طریق یاد بگیرید.

۲— پرسش فکری (فکر کنید و جواب بدهید) - چرا شکارچی میخواست جای پای شیر را ببیند ؟ - شیر کجا زندگی میکند ؟ - شیر چگونه حیوانی است ؟ - شکارچی را چه شکار میکند ؟

۳ تکلیف - از روی این سرمشق ده بار خوب بنویسید :

من جای پای شیر را میخواستم نه خود شیر را



نقاشی - از روی این شکلها بکشید :



ماهی و صیّاد



صیادی قلاب انداخت و ماهی کوچکی گرفت همینکه خواست ماهی را در سبد بیندازد ماهی گفت :

ــ آقای صیاد من بسیار کوچك و ریزه هستم بزحمت یك لقمهٔ شما میشوم مرا رها کنید و در آب بیندازید تا بزرگتر شوم سال دیگر برگردید مرا که خوب بزرگ شده‌ام بگیرید که شما و تمام خانوادهٔ شما از خوردن من سیر خواهید شد .

صیّاد گفت :

ازفرمان کوروش پیروی نکرد کوروش بدستهٔ سربازان حکم کرد اورا گرفتند وتنبیه کردند آن پسر پیش پدر خود رفت و از کوروش شکایت کرد پدرش هم بپدر کوروش که پادشاه بود شکایت برد شاه فرمود تا کوروش را آوردند و باو گفت چرا پسر وزیر مرا زدی؟ کوروش جواب داد حق داشتم زیرا همه بمیل خود مرا شاه کردند و لازم بود حرف مرا بشنوند پسروزیر نشنید و سزای خود را دید.

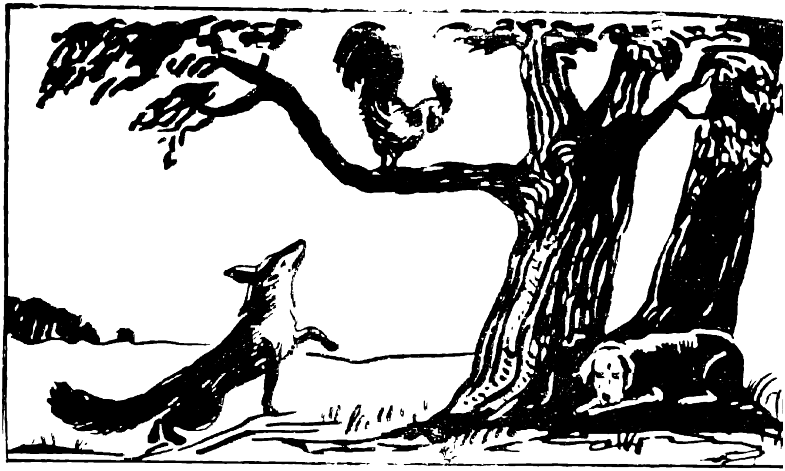
۱- **پرسش** - کوروش که بود؟ - در کودکی کجا زندگی میکرد؟ - در بازی اخلاق او چه بود؟ - وزیر زاده چه کرد؟ - پدربچه بکه شکایت کرد؟ - کوروش بپدرش چه جواب داد؟ - بازرس یعنی چه؟ - آیا کوروش حق داشت بچه ئی را که از او اطاعت نکرده بود تنبیه کند؟ (۱)

۲- از روی این سرمشق چند بار بنویسید:

کوروش از پادشاهان بزرگ ایران قدیم است

---

(۱) راجع بلزوم اطاعت بزرگتران ورئیسان وفرمانروایان (باندازهٔ فهم کودکان) گفتگو شود



خروس و سگ و روباه

سگی و خروسی باهم دوست شدند و برای گردش از ده بیرون رفتند روز را در باغهای با صفا گردش کردند شب که شد خواستند بخوابند پای درخت بلندی رفتند خروس بالای درخت رفت وسگ پایین درخت در گوشه یی خوابید صبح که شد خروس بعادتی که دارد بنای خواندن گذاشت روباهی که در آن نزدیکی بود آواز اورا شنید ونزدیك درخت

ـ ماهی عزیزم حرفت حسابی است اما من نمیتوانم آنرا قبول کنم که گفته اند :

« سیلی نقد به از حلوای نسیه »

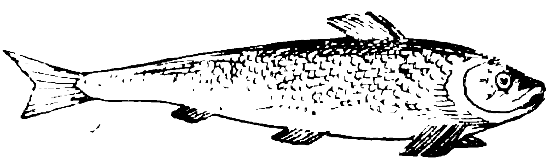
۱ ـ **پرسش** ـ صیاد ماهی‌را باچه گرفت؟ ـ ماهی بصیاد چه گفت؟ ـ از معنای که صیاد برای ماهی آورد چه میفهمید؟

آیا قلاب ماهیگیری دیده اید؟ ـ کجا؟ ـ چه شکل است؟

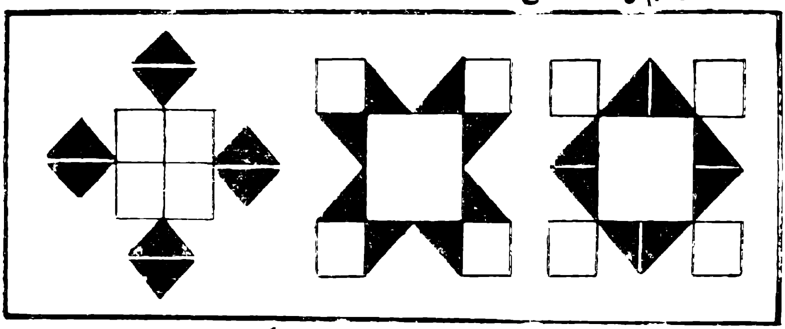
معنی این لغات چیست صیاد ـ قلاب ـ برحمت ـ نسیه ـ نقد؟

۲ ـ این حکایت را برای همشاگردان خود بگوئید توجه کنید که روبروی آنها راست بایستید وشمرده حرف بزنید.

۳ـ **نقاشی** ـ شکل ماهی را بکشید و نام بعضی از اعضای آنرا هم که میدانید بنویسید.



رسم و کار دستی:



۱ ـ مطابق این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید.

۲ ـ از کاغذ رنگی دومربع بزرگ و چهار مربع کوچك و هشت مثلث کوچك ببرید

۳ ـ مانند شکلهای بالا پهلوی هم بچینید.

322

جغرافیا

همه ما خانه و کوچه و خیابان و دهکده و شهر را شناخته ایم و نقشهٔ آنها را هم در کتاب دوم دیده ایم . اکنون باید بدانیم که در روی زمین هزاران هزار دهکده و شهر بزرگ و کوچك ساخته شده و هر دهکده و شهر مسکن چندین خانواده است که با هم زندگی میکنند و مانند ما در آبادی شهر و دهکده های خود میکوشند و برای اینکه خوب زندگی بکنند هر کدام بکار و شغلی مخصوص مشغولند و ما همان طور که شهر ودهکدهٔ خودرا می شناسیم آن شهرها و دهکده ها و چیز های دیگر روی زمین را هم میتوانیم بشناسیم و نقشهٔ آنها را هم می توانیم ببینیم .

در روی زمین کوهها و صحرا ها و سبزه زار ها و چمنها و گیاهها و درختها

آمد و خروس را صدا کرد و گفت:

ـ دوست عزیزم مدتها بود میخواستم ترا ببینم حالا که آوازت را شنیدم بخدمت رسیدم خوب است پایین بیایی تادیداری تازه بکنیم.

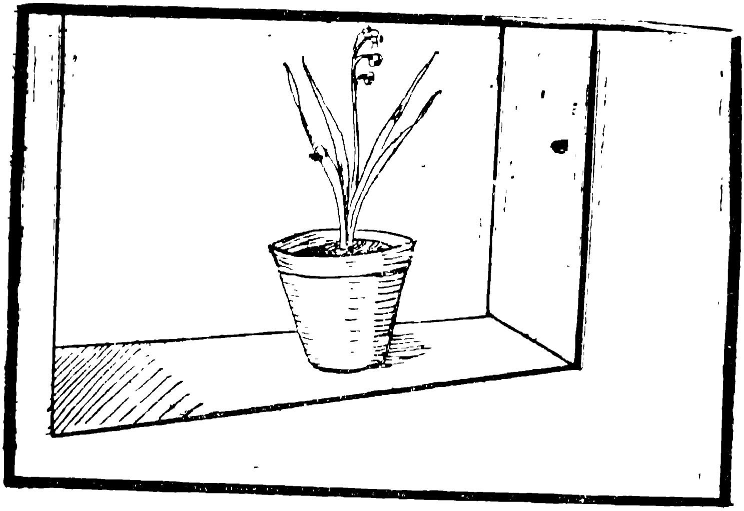
خروس گفت:

ـ ازمحبّت شما ممنونم امّا رفیقی دارم که آن طرف درخت خوابیده‌است زحمت بکشید و او را بیدار کنید تا من هم خدمت برسم روباه بطمع اینکه خروسی دیگر است پیش رفت و همینکه چشمش بسگ افتاد پا بفرار گذاشت امّا سگ او را امان نداد وبچند جست وخیز خودرا باو رسانید واورا خفه کرد.

۱ ـ **پرسش** ـ سگ و خروس باهم بکجا گردش رفتند؟ ـ شب برای خوابیدن چه کردند؟ ـ صبح خروس چه کرد؟ ـ روباه بخروس چه گفت؟ ـ خروس چه جواب داد؟ ـ چرا سگ روباه را خفه کرد؟ ـ

۳ ـ **بازگویی حکایت** ـ قصّه بالا را بزبان خودتان بگویید

٤ـ **بازی**ـ ازنوآموزان یك تن خروس و یك تن روباه شوند ومانند حکایت بالا بایکدیگر سؤال و جواب نمایند



موجودات زنده

گیاهها

منوچهر گفت باز هم کمی در باب جانوران گفتگو بکنیم من از این حرفها خیلی خوشم می‌آید جمشید گفت من هم خوشم می آید منوچهر گفت عجب است که تقریباً همه زنده ها جانورند آموزگار گفت نه چنین نیست من در همین کلاس موجودی می بینم که زنده است اما جانور نیست شاگردان در

و جویبارها و رودخانه ها و دریاها و دریاچه های بسیار و جانوران و مردمان گوناگون هم هست و ما در میان آنها زندگی می کنیم و باید آنها را بشناسیم و از شکل و نقشهٔ آنها آگاه باشیم .

این چیزها را جغرافیا بما یاد می دهد و هر کس جغرافیا بخواند ازهمه جای زمین باخبر میشود و نامهای شهرها و دهکده ها و کوهها و دریاها و چیز های دیگر را که گفته شد یاد می گیرد .

۱ - **پرسش** - مردم درروی زمین چه‌چیزهاساخته‌اند ؟- آبادی یعنی چه؟- برای چه مردم در آبادی زمین می کوشند ؟- اینکه میگویند در فلان جا نه آب دیده میشود نه آبادی یعنی چه ؟ - در روی زمین غیر از شهر و دهکده چه چیز های دیگر هست ؟ - آیا آنها را هم مردم ساخته اند ؟ - جغرافیا چه چیزها بما یاد میدهد ؟

۲ - از روی این سرمشق چند بار بنویسید و بگوئید مربوط بکدام درس است :

سیلی نقد به از حلوای نسیه است

گیاه بقدری کوچك بود که بزحمت دیده میشد
آموزگار گفت ای بچه های عزیز بدانید
که ما بی گیاه نمیتوانیم زندگی بکنیم سبزی
که هر روز میخوریم همان گیاه است منیژه
گفت امروز ظهر خوراك ما هویج داشت و
آن هم گیاه است جمشید گفت خرگوشها هم
هویج میخورند کاهو و کلم هم میخورند
پروانه گفت گنجشکها توت میخورند پروین
گفت گاو و اسب علف می خورند پس هم
ما گیاه می خوریم وهم بسیاری از جانوران .

۱ - **پرسش** - منوچهر چرا از حرفهای راجع بجانوران خوشش میآید؟ - آیا شما خوشتان می آید که راجع بجانوران صحبت بشود ؟ - چرا ؟ - آموزگار چرا گفت که گیاهها هم مثل جانوران زنده هستند ؟ - فایدهٔ گیاهها چیست ؟ - آیا همه جانوران علف میخورند ؟ - آیا خوبست هر گیاهی را بخوریم ؟ - چرا ؟

کلمهٔ « بهرسا » را چگونه مینویسید و چگونه تلفظ می کنید ؟ - (همه یك آوار گشتند) یعنی چه ؟

۲ - **تکلیف** - ازروی این سرمشق چند بار بنویسید وبگویید این جمله مربوط بکدام درس است ؟

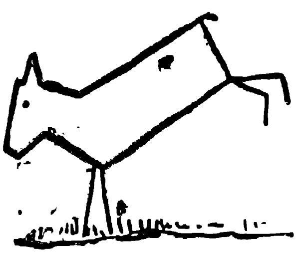
موجودهای زنده اوّل بدنیا میآیند و غذا میخورند ونفس میکشند و بزرگ میشوند و آخر میمیرند

حالی که با تعجب بگوشه های اطاق نگاه می کردند همه یك‌آواز گفتند موجود زنده‌یی می بینید که جانور نیست؟ آخر پروانه گفت من فهمیدم چه چیز را میگویید مقصود شما گلی است که در گلدان روی طاقچه است آموزگار گفت بلی مقصود همان گیاه توی گلدان است گیاه دیگری هم از پنجره می بینم منوچهر گفت شاید مقصود شما آن درختی است که در حیاط دبستان است آموزگار گفت بلی درختها همه گیاهند پروانه گفت بعضی گیاهها خیلی بزرگند ما درخت بزرگی در حیاطمان داریم که از دیوار خانه مان بالا تر رفته است منیژه گفت بعضی گیاهها هم خیلی کوچکند تخم گیاهی را در باغچهٔ حیاطمان کاشتیم و چند روز بیشتر نگذشت که گیاهی کوچك از زمین باغچه بیرون آمد اما این

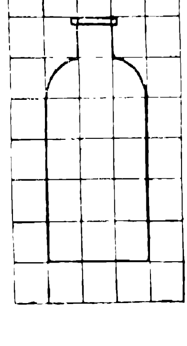
سرگرمی - شب باسایهٔ دست خود درمقابل چراغ روی دیوار شکل جانوران را درست کنید.



نقاشی – ازروی این شکل بکشید



رسم – مطابق این شکل در کاغذ شطرنجی بکشید



نمی خواهم نصفش برای من بس است .
پس چاقوی پاکیزه‌یی از جیب خود درآورد و سیب را دو نصف کرد یك نصف را خود برداشت و نصف دیگررا بشاپور داد .

بچه هایی که میخواهند پاکیزه و تندرست باشند :

۱ - از آبخوری دیگران آب نمی‌خورند .
۲ - پیش از غذا خوردن و بعد از بازی و بعداز رفتن بمستراح دستهای خودرا میشویند .
۳ - میوه وسبزی‌را اول باآب پاك میشویند بعد میخورند .
۴ - بمیوه یاشیرینی که دیگری گاز زده است دهان نمیزنند

---

۱ - **پرسش** - سیب شاپور چطوربود ؟ ـ چرا شاپور سیبش را اول شست ؟ـ چرابشیدا گفت توهم باین‌سیب گازی نزن ؟ ـ چرا شیدا حاضرنشدبسیب شاپور گازبزند ؟ -آخرسیب‌را چه کردند ؟ـ بچه های پاکیزه چگونه بایدباشند؟
۲ - **پرسشهای فکری** (فکر کنید وجواب دهید) - اگرشمابخواهید با رفیقتان یك سیب یا گلابی بخورید چه میکنید ؟ ـ چرا نباید از ظرف بستنی‌فروشهای‌دوره گرد بستنی‌بخورید ؟- چرا ازظرف آبخوری‌سقاها وسقاخانه ها آب نمی‌خورید ؟ ـ چرا خوب نیست که اهل یك خانه همه از یك لیوان آب بخورند ؟ ـ چه دستورهای خوب دیگری مینوانید ببچه‌های پاکیزه بدهید ؟
۳ ـ **املا** ـ بعداز یاد دادن املای‌لغات ، قسمتی‌ازدرس را دیکته کنید .

دچار بشود و شاید بمیرد

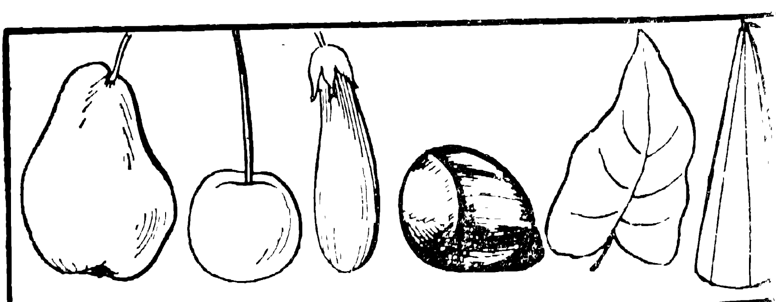
گوهر از شنیدن این سخن رنگش پرید و گفت آقا جان نترسید هسته اش را از پنجره بیرون انداختم.

پرسش - مادر چرا آلوها را شمرد ؟ - در موقع قسمت کردن چه دید ؟ - پدر از فرزند خود چه سؤالی کرد ؟ - پری و هوشنگ چه جواب دادند ؟ - گوهر چه گفت ؟ - چرا صورت گوهر سرخ شده بود ؟ - پدر چگونه فهمید که آلو را کی خورده است

کدام یك از بچه ها راست گفت ؟ - کدام یك دروغ گفت ؟ - چرا دروغ گفت ؟ - نتیجهٔ دروغ گفتن چیست ؟

قصه گوئی - هر کس قصه‌ای راجع بدروغ میداند با نتیجهٔ زشت آن برای همکلاسان بلند و شمرده بگوید.

نقاشی - از روی این شکلها بکشید و آنها را رنگ آمیزی کنید :



آلو خراسانی

مادری چند آلو خراسانی خرید وبخانه برد و پس از شمردن در سفره خانـه گذاشت تابعد ازغذا میان فرزندان کوچك خود هوشنـگ و پری و گوهر تقسیم کند .

گوهـر دختر چهـار ساله وقتی کـه کسی در سفره خانه نبود یك دانه از آلوها را برداشت و خورد وقت قسمت کردن یك دانه آلو کم آمـد مادر بپدر گفت بچه هـا یك دانه از آلو ها را خورده اند پدر رو بفرزندان کرد و گفت کدام یك خورده‌اید ؟ پری و هوشنـگ گفتند ما نخورده‌ایم گوهر هم با اینـکه از شرم رویش سرخ شده بود گفت من هم نخورده ام پدر گفت هر که آلو را بی اجازه برداشته و خورده کار بدی کرده‌است اما خدا کند هسته‌اش را فرو نداده باشد که میترسم بشـکم درد سختی

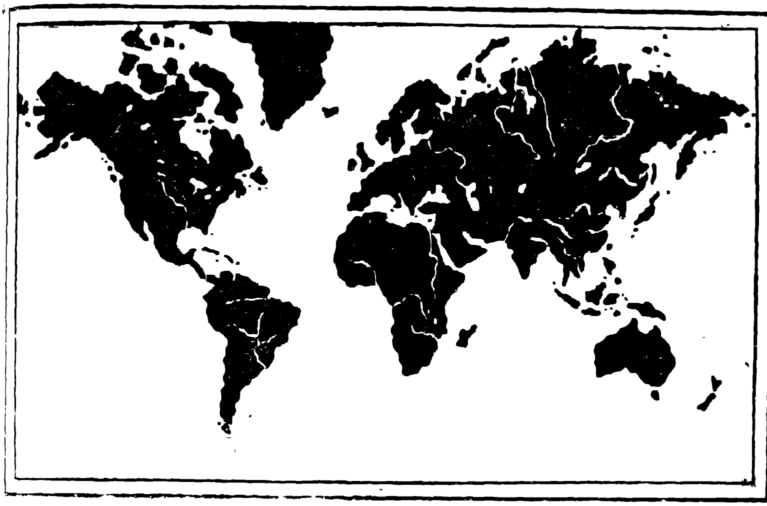
بخش کنیم سه بخش آن زیر آب و یك بخش آن بیرون از آب است .

ما مردم در خشکیهای زمین زندگی می کنیم اما در زندگی بآب محتاجیم و آب هم در زمین فراوان است در خشکی موجودات دیگر هم از جانوران و گیاهها زندگی می کنند اما در آب بجز جانوران آبی و برخی از گیاههای مخصوص دیگر چیزی نیست .

پرسش – در نقشهٔ صفحهٔ پیش خشکی را بچه رنگ و آب را بچه رنگ نشان داده اند ؟ – آب زمین بیشتر است یا خشکی آن ؟

آب چند برابر خشکی است – ما انسانها درچه قسمت زمین زندگی می کنیم ؟ – آیا می توانیم بی آب زندگی کنیم ؟

درخشکی زمین دیگر چه موجودات زندگی میکنند ؟ – در آب چه موجودات زندگی می کنند ؟ – آیا انسان میتواند درآب زندگی کند ؟ – چرا ؟



آب و خاک

نقشه یی که در بالای این صفحه می بینید نقشهٔ تمام زمین است در این نقشه آنچه برنگ سفید است آب است و آنچه برنگ سیاه است خاك یاخشکی است .

آب و خشکی زمین را اگر از روی دقّت با هم بسنجید خوب ملتفت می شوید که آب خیلی بیشتر از خشکی و تقریباً سه برابر خشکی است باین زکه اگر رزمین را بچهار

مـرغ را پیش کشید و سرمرغ را بصاحبخانـه داد و گفت شما سر خانواده اید و سر بشما میرسد گردن مرغ را هم بخانم صاحبخانه داد و گفت بعد ازسر گردن بالا ترین اندامها است و خانـم هم بعد از آقـا بزرگتر خانواده است دو پای مرغ را هم بدو پسر داد و گفت پسر در انجام فرمانهای پدر دوندگی و آمد و رفت می کند و پا حق او است دو بال مرغ را هم بدو دختر داد و گفت دختر در انجام کار هـای خانه دست مادر است و بال باو می رسد تنهٔ مرغ را هم که بیشتر و بهتر از همه بود پیش خود گذاشت و گفت این هم قسمت من که مهمانم و احترامم برهمه لازم است .

از این تقسیم همه خندیدند و با اینکه مغبون بودند چون ملا از همه تعریف کرده بود چیزی نگفتند و هر کس بسهم خود قناعت کرد

تقسیم ملا

ملاّ نصرالدین برای خندانیدن مردم خود را بنادانی زده بود اما در حقیقت خیلی زیرك عاقل بود و همیشه بشوخی و خوشمزگی بخود فایده میرساند .

یك روز مهمان شخصی بود و آن شخص یك زن و دو پسر و دو دختر داشت در سر سفره صاحبخانه خواست ملا را دست بیندازد ظرفی را که مرغ بریانی در آن بود جلو ملا گذاشت و گفت این مرغ را میان ما هفت نفر قسمت کن ملا گفت من سهم هر کس را بنابر لیاقتش میدهم و از همه عهد و پیمان گرفت که بر تقسیم او اعتراض نکنند آنگاه ظرف

تقسیم دیگر ملاّ

روز دیگر ملاّ برای دیدن عید بخانهٔ همان شخص رفت پنج مرغ از ده برای آن شخص آورده بودند آن شخص خواست بار دیگر ملاّ را دست بیندازد و باو گفت این مرغها را میان ما تقسیم کن طوری که در عدد مساوی باشیم ملاّ گفت بسیار خوب شما و خانم و یك مرغ میشوید سه تا دو پسر شماهم بایك مرغ میشوند سه تا دو دختر شما هم بایك مرغ می شوند سه تا باقی مانده را هم بمن مرحمت کنید که من و دو مرغ بشویم سه تا.

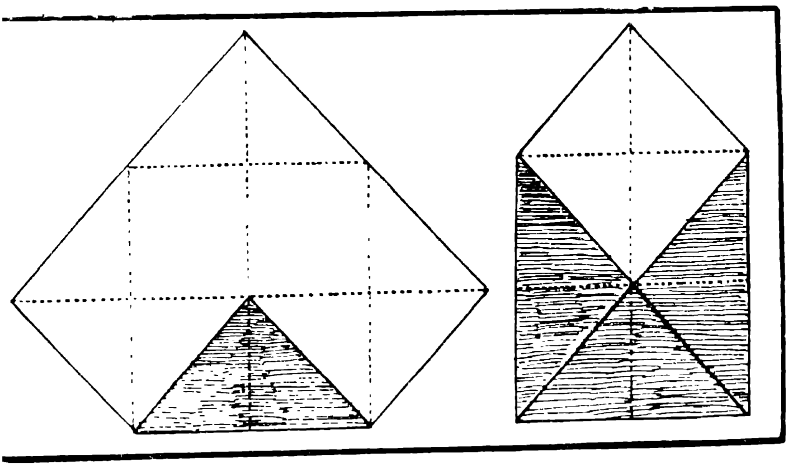
صاحبخانه را خنده گرفت و دو مرغ را بملاّ بخشید و عهد کرد که در اینگونه مواقع با ملا شوخی نکند و اورا دست نیندازد.

۱ - **قصه گویی**ـ قصهٔ بالا را طوری بگویید که خوشمزه وخنده آور باشد .

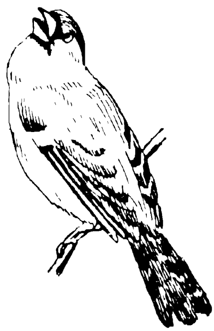
۲- معنی این لغات چیست : زیرك ـ دست بیندازد ـ مرغ بریان ـ سهم- اندام ـ مغبون

کاردستی ـ۱ـ یك چهار گوشه از کاغذ ببرید .

۲-برطبق نقطه چینهای شکل دست چپ تا کنید تایك پاکت چهار گوش درست شود .



نقاشی - نام این پرنده چیست؟ ـ اگر میتوانید شکل سادهٔ آنرا بکشید:



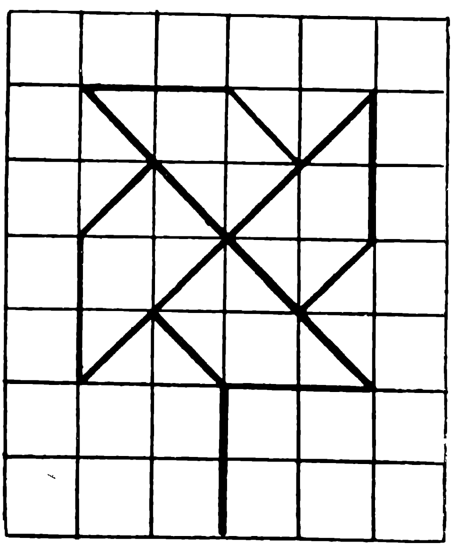
نکند انگشتانه بانگشت می کند لباسهارا پس از دوختن با دقت اتو می کشد و بتن عروسک می کند و او را در گهواره می خواباند.

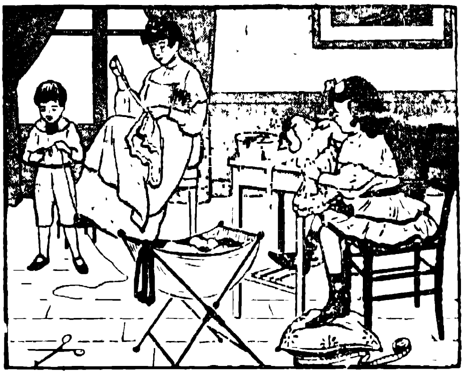
پرسش - شیدا لباس عروسک خود را ازچه چیزها درست میکند؟- چرا اول قد و بالای عروسک را با متر نواری اندازه می گیرد؟ - شیدا چرا انگشتانه بانگشت می کند؟ - چرا لباس را پس از دوختن اتو میکنند؟

آیا شما عروسک دارید؟ - آیا برای او لباس دوخته اید؟ - پارچهٔ لباس او را از کجا آورده اید؟ - آیا خودتان پارچه های لازم را از اسباب خیاطی مادرتان برمیدارید یا بیشتر اجازه می گیرید؟ - چرا اجازه میگیرید؟

نقاشی - شکل انگشتانه - سوزن و نخ و قیچی را بکشید.

رسم - ازروی این شکل در کاغذ شطرنجی بکشید و رنگ آمیزی کنید





عروسك بازی(۱)

شیدا بیشتر روز ها با همبازیهایش عروسك بازی می کند و گاهی برای عروسك خود لباس میدوزد لباس عروسك را از تکه و خرده های پارچه ها که دیگر بکار نمیخورد درست می کند وقتی می خواهد لباس بدوزد اول قد وبالای عروسك را بامتر نواری اندازه می گیرد و از روی آن پارچه ها را با قیچی می برد وتکه های بریده را پهلوی هم میگذارد ومی دوزد برای اینکه سوزن دستش را زخم

(۱) این درس برای دختران مناسب تر است .

هیچوقت باین سنگها دست نزنند همین طور بی حرکت در همین جا می مانند و شکل و اندازه شان هیچ تغییر نمی کنند و بزرگتر یا کوچکتر نمی شوند .

شما سنگهای خودتان را از کجا آورده‌اید؟

پروین گفت من از باغچهٔ خانه مان جمع کرده‌ام

منوچهر گفت من از کنار رود خانه جمع کرده ام آنجا سنگهای قشنگ دیگر هم هست

جمشید گفت من از حیاط خانه مان آورده ام

پروانه گفت من در زمین بازی دبستان پیدا کرده ام .

* * *

جمشید گفت این سنگها را چه کنیم ؟

آموزگار گفت اول باید آنها را خوب بشوییم

منوچهر ظرفی پر از آب آورد و سنگها را یک یک شستند پروین گفت سنگ مرا ببینید

موجودات

سنگها

اسباب کار - چند قسم سنگ (تقریباً مطابق آنچه که در درس گفته شده) - طرف آب - چکش - بعضی رنگها (قهوه‌یی - عنابی - سرخ تیره . . . ممکن است برای نشان دادن این رنگها قهوه - عناب - گل اخری . . . . بکلاس آورد)

آموزگار گفت در درسهای پیش موجودات زنده را خواندید و شناختید امروز از موجوداتی گفتگو می کنیم که زنده نیستند یعنی زاییده نمی شوند وبزرگ نمیشوند ونمی میرند

در این وقت بسنگهایی که روی میزی گذاشته بود اشاره کرد و گفت شماهم سنگهایی را که با خود آورده‌اید پهلوی این سنگها بریزید آنگاه گفت حالا این سنگها را تماشا بکنید و ببینید که بعضی بزرگ وبعضی کوچك بعضی گرد وبعضی دراز بعضی صاف وبعضی ناصاف است و دوتای آنها مثل هم نیست اگر هیچکس

شکستند و خوب ملتفت شدند که بعضی از سنگها سخت و دیرشکن و بعضی سست و زود شکن است سنگ پروین بقدری نرم و سست بود که بیك حرکت آهسته چکش خرد شد و خرده هایش مثل ماسه بود آموزگار گفت این سنگ را سنگ ماسه می گویند .

✲ ✲ ✲

پروین گفت من از سنگی که دانه های سیاه در میانش دارد خوشم می آید جمشید گفت من سنگ سفیدی را که خطهای قرمز دارد دوست می دارم پروانه گفت سنگ من خیلی قشنگ است آنرا دور نمی اندازم جمشید گفت تمام سنگهای قشنگ را باید نگه داریم منوچهر گفت اگر جای مخصوصی برای سنگها داشتیم خیلی خوب بود آموزگار گفت جای مخصوصی برای آنها معین کنید که دیگران هم بتوانند آنها را ببینند پروین گفت در یکی از

چه قشنگ از آب درآمده است دانه های برّاقی رویش می بینم که پیش ازاین پیدا نبود منوچهر گفت من خیال می کردم سنگم قهوه یی رنگ است اما حالا که شسته شده می بینم عنّابی است پروانه گفت سنگ من سفید است اما یك خال سرخ تیره یی رویش هست جمشید گفت راستی عجب سنگ قشنگی است مثل الماس می درخشد .

منوچهر گفت یك روی سنگ من سرخ و روی دیگرش قهوه یی است دلم می خواهد تویش را هم ببینم چه رنگ است آموزگار گفت کاری آسان است و چکشی را که در دست داشت دوسه مرتبه روی آن سنگ زد تا شکست و همه دیدند که تویش هم سرخ و قهوه یی رنك است.

شاگردان دیگر هم بعضی سنگهای خودرا

شاپور

شاپور از پادشاهان بزرگ ایران است این پادشاه در هشت سالگی بپادشاهی رسید از هوش او در زمان کودکی حکایتهای شنیدنی نقل کرده اند.

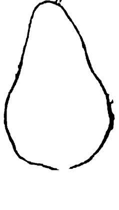
یکی اینکه یك روز هنگام غروب آفتاب صدای هیاهویی بگوشش رسید پرسید این چه صدا است؟ گفتند آفتاب غروب کرده و مردم دست از کار کشیده اند و بخانه های خود میروند و چون گذرشان از روی پل رودخانه است واز دوطرف آمد و شد می کنند بیکدیگر زحمت میرسانند و این هیاهو از آن جهت است شاپور گفت خوب است یك پل دیگر روی رودخانه بکشند و مردم از یك پل بروند و از پل دیگر بیائید تا براحت بگذرند و بیکدیگر زحمت

اطاقهای خالی دبستان می گذاریم و آنجا را موزهٔ سنگ کلاس سوم می نامیم.

۱- **پرسش** - فرق موجودات زنده وغیر زنده چیست؟- آیاسنگها از موجودات زنده‌اند؟ - چرا؟ - صفاتی که‌در این درس برای سنگها معین شده کدام است؟ - سنگ در کجا بسیار یافته میشود؟ - در ساختمانها سنگ سخت بکار میبرند یا سنگ سست؟ - چرا؟ - ماسه چیست؟ - ماسه در کجا پیدا میشود؟.

۲ - **گردش علمی**- گردش در بیرون شهر یاده و درصورت امکان نهر و رودخانه و کوه که در اطراف شهر موجوداست: جمع آوری اقسام سنگهای سخت وسست وصاف وناصاف وگرد ودراز وپهن وباریک ازهمه رنگ و گذاشتن آنها در موزهٔ دبستان - شستن خاک شن دار و بدست آوردن ماسه .

نقاشی- از روی شکل زیر بکشید و رنگ آمیزی کنید



بچه ها در زنگ تفریح

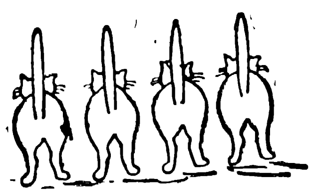
زنگ تفریح زده شد شاگردان از کلاس
بترتیب بیرون رفتند تنها جمشید مبصر کلاس
در اطاق ماند که پنجره ها را باز بکند تا هوای
اطاق پاکیزه بشود .

بعضی ازشاگردان که پای تخته رفته بودند
و دستشان گچی شده بود دست خود را با آب
پاکیزه شستند وبا دستمال پاکیزه خشك کردند
پرویز هم دستش را شست اما دستمال نداشت
برفیق خود فریدون گفت خواهش می کنم
دستمالت را بمن بده که دستم را خشك بکنم
فریدون گفت دلم میخواهد بتو کمك بکنم اما
دستمالم را بتو نمیدهم زیرا ممکن است یکی
از ما دو نفر بیمار باشد وبیماری او از راه دستمال
بدیگری سرایت کند پروین دستش را در هوا

نرسانند وقتی که شاپور این را گفت بیش از پنج سال نداشت و بزرگان که این سخن را شنیدند بر هوش او آفرین گفتند و دانستند که پادشاه بزرگی می شود .

۱ ــ **پرسش** — شاپور درچه سن بپادشاهی رسید ؟ — از هوش او چه نقل کرده اند ؟ــ قصهٔ بالا را برای همکلاسان خود بگویید — معنی این لغات چیست : هیاهو — آمد وشد — سخن

نقاشی ــ از روی این شکلها بکشید :



میبرید یا نه؟ - چرا؟ - با ظرف عمومی آب میخورید یا نه؟ - چرا؟ - وقتی که میخواهید آب بخورید چه‌قدر آب درظرفتان میریزید؟ - چرا نباید آب خوردن را بی فایده ریخت و پاش کرد؟

۲-**پرسشهای فکری**- (فکر کنید وجواب بدهید) - بغیر از دستمال چه‌چیزهای دیگرخوبست مخصوص بخودتان باشد؟ - وقتیکه میخواهید غذا بخورید چه‌قدر غذا درظرفتان میریزید؟ - خرده نانهایی که از سر سفره زیاد میآید چه میکنید؟ - چرا؟

۳- **پیدا کردن لغات مربوط بدرس** - ظرفهاییکه در آن آب میریزید بنامید - چه چیز ها برای شستن و پاك کردن بدن بکار میرود؟

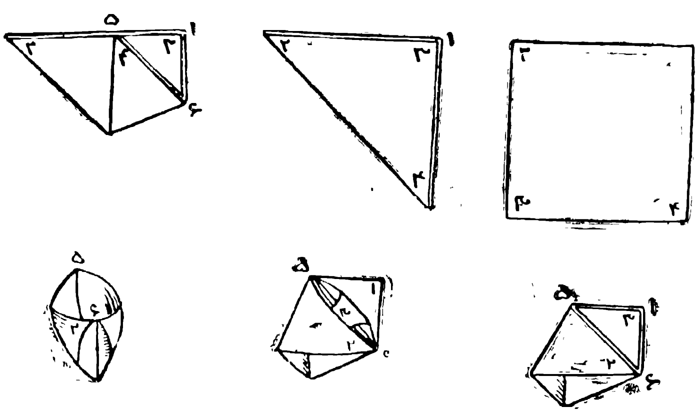
٤ - **عبارت سازی** : چند عبارت شبیه باین عبارت (پرویز دستش را شست) بسازید.

مثال : فریدون ناهارش را خورد.

کاردستی : لیوان کاغذی:

بایك کاغذ چهار گوشه از روی نقشهٔ زیر لیوان کاغذی درست کنید.

بااین لیوان میتوانید آب بخورید.



خشك كرد و از روز بعد هر روز دستمال با خود آورد.

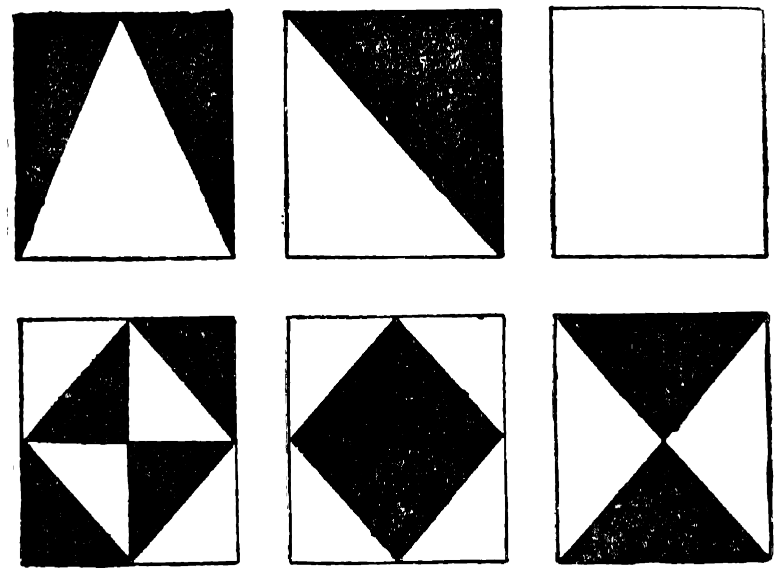
بعضی از شاگردان هم رفتند سر ظرف آب بعضی باخود آبخوری مخصوص داشتند دیگران باظرف عمومی آب خوردند همایون آبخوری بزرگی داشت و آنرا از آب لبریز کرد اما نتوانست همه آب را بخورد و باقی را برفیقش بهرام تعارف کرد بهرام گفت آبی را که نیم خوردهٔ دیگری است نمی خورم همایون ناچار باقی آب را دور ریخت بهرام گفت مگر بما دستور نداده اند که در آبخوری باندازه یی که میتوانیم بخوریم آب بریزیم جمشید گفت حق باتست من اشتباه کردم و بی جهت مقداری آب خوردن دور ریخته شد.

۱ ـ **پرسش** — در چه مواقعی دستهای خود را میشویید ؟ ـ آیا همیشه دستمال همراه دارید ؟ ـ چرا ؟ ـ چرا فریدون دستمال خودرا بپرویز نداد ؟ ـ وقتی که بحمام میروید لنگ وقطیفه و کیسه ولیف مخصوص با خودتان

رسم و کار دستی — ۱ - یك مربع در روی کاغذ بکشید .

۲ - مطابق نقشه های زیر تقسیم کنید و اقسام سه گوشه ها بکشید .

۳ - شکلهای زیر را روی کاغذ های رنگی بکشید و ببرید .



۲نقاشی - ارروی این شکل بکشید :



هوا همه جا هست

هیچ چیز بفراوانی هوا نیست همه جا از کلاس درس و دبستان و اطاقهای خانه و حیاط و حمام و اتوبوس و درشکه و هرجای دیگر که برویم هوا هست همه وقت چه در زمستان چه در تابستان چه در پائیز و چه در بهار چه روز وچه شب هوا هست و بی وجود آن زندگی انسان و حیوان و گیاه ممکن نیست.

فایدهٔ هواچیست؟- بینی و دهان خودرا با دستمال بگیرید و ببینید که نفس کشیدن دشوار می شود اگر دستمال را محکمتر ببندید جلو نفس گرفته می شود و رفته رفته حال خفگی بشما دست می دهد پس معلوم شد که هوا برای زنده ماندن ما لازم است.

پرسش — هوا در کجا ها هست؟ — اگر جلو دهان و بینی انسان را ببندند چه‌حالی باودست خواهدداد؟ — کسی که درآب میافتد چرا خفه‌میشود؟ — انسانی که زیر آواربرود چه‌طور میشود؟ — چرا؟

زندگی است و انسان اگر غذا نخورد زنده نمی ماند پس برای این غذا میخوریم که زنده بمانیم فایدهٔ دیگر غذا بزرك شدن است وبچه ها که روز بروز بزرگ میشوند بسبب غذا خوردن است زیرا مقداری از غذا که میخورند جزو بدن آنها میشود و بدنشان روز بروز بزرگتر میشود و بیشتر قوت میگیرد .

غذا برای انسان مانند آب است برای درخت و گیاه درخت و گیاه اگر آب نخورند اول پژمرده و رفته رفته خشك و نابود میشود انسان هم اگر غذا نخورد نخست لاغر و ناتوان میشود و اگر چند شبانه روز براین حال بماند میمیرد .

پس غذا چیزی است که برای زندگی و برای رفع گرسنگی خورده میشود گوشت و سبزی و میوه و دانه ها و گیاههای خوردنی

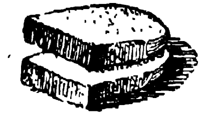
غذا

بیشتر مردم شبانه روزی سه وعده یکی صبح و یکی ظهر و یکی شب غذا می خورند غذای صبح را ناشتایی یا صبحانه و غذای ظهر را ناهار و غذای شب را شام میگویند بچه ها و برخی از بزرگها طرف عصر هم عصرانه می خورند .

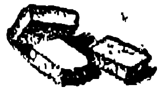
صبحانه چای و شیر و قهوه و تخم مرغ و نان و پنیر با کره و عسل مانند اینها است و ناهار یا شام خوراکهای پخته است که از گوشت و نخود و لوبیا و عدس و برنج و روغن و انواع سبزیها درست میکنند .

حال ببینیم فایدهٔ غذا خوردن چیست؟ اگر کسی از شما بپرسد چرا غذا میخورید میگویید برای اینکه گرسنه میشویم اما باید بدانید که فایدهٔ غذا همین رفع گرسنگی نیست غذا مایهٔ

نقاشی - از روی این شکلها بکشید و آنها را رنگ آمیزی کنید



نان



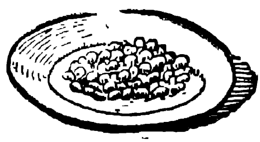
قند



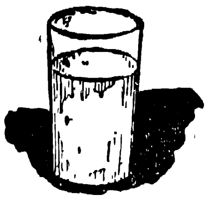
سیب‌زمینی



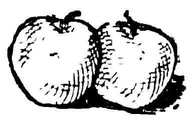
تخم مرغ



لوبیا



شیر



سیب

۲ تکه نان (ازحیث فایده غذایی برای بدن) = ۳ حبه قند = ۲ سیب زمینی= ۳ سیب درختی = $\frac{۲}{۳}$ یك گیلاس شیر = یك بشقاب لوبیای پخته = یك تخم مرغ بزرك .

و قند و نمك وآب همه غذا است .

۱ — **پرسش** - در روز چند وعده غذا میخورید ؟ - اسم غذای هر وعده را بگویید ؟ - صبح چه نوع غذا و ظهر و شب چه نوع غذا میخورید ؟ - انسان برای چه غذا میخورد ؟ - آیا حیوانات هم غذا میخورند ؟ - درختها و گیاهها چه طور ؟ - گیاهها چه طور غذا میدهند ؟ - اگر از شما بپرسند غذا چیست چه جواب میدهید ؟ — غذا هایی که انسان میخورد کدام است ؟

۲ - نام غذاهایی که میشناسید بگویید- چه غذا هایی را خام میخورید؟- چه غذا هایی را میپزید ؟ - غذا های حیوانی کدام است ؟ - غذا های نباتی کدام است ؟ .

۳ - **تکلیف** - از روی این سرمشقها چند بار بنویسید .

در شبانه روز بیش از سه وعده غذا نخورید

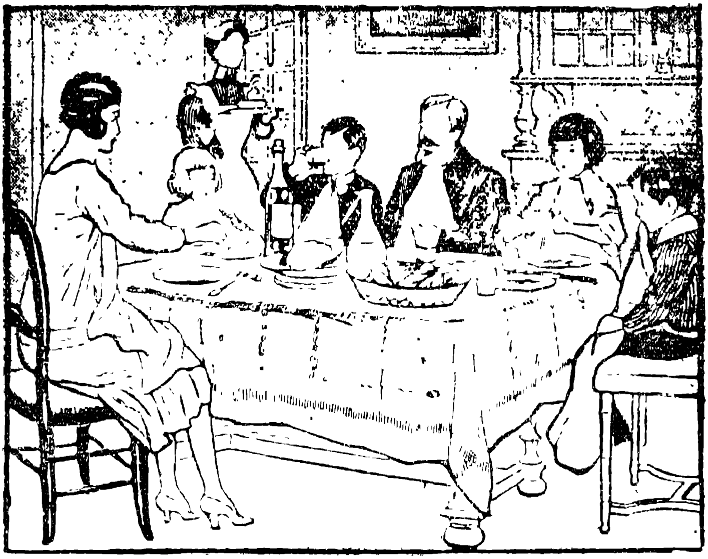
تا میتوانید غذای ساده بخورید .

با دستم پاره میکنم و آنرا خرد خرد نمیکنم باکارد و چنگال وقاشق غذا میخورم چنگال را بدست چپ و کارد را بدست راست میگیرم گوشت را با کارد میبرم و تکهٔ های کوچك از آن جدا میکنم هر تکه را با چنگال بدهان میبرم و خوب میجوم وبدون صدا فرو میبرم با دهان پر آب نمیخورم پس از آشامیدن آب لبهایم را بادستمال پاك میکنم .

سیب و گلابی و هلو و مانند آنرا گاز نمیزنم باکارد پوست میکنم و سه چهار قسمت می کنم و می خورم هیچوقت از غذا ایراد نمیگیرم و سعی میکنم نسبت بکسانیکه با من سرمیز هستند مؤدب باشم .

پرسش ـ چرا موقع غذا خوردن روی زانو دستمال میاندازیم ؟ ـ چگونه باید سرمیز غذا بنشینیم که باعث زحمت رفقای خود نشویم ؟ ـ چرا بهتر است با کارد و چنگال و قاشق غذا بخوریم ؟ ـ چرا مخصوصاً سرمیز غذا نباید از غذا ایراد گرفت ؟ ـ

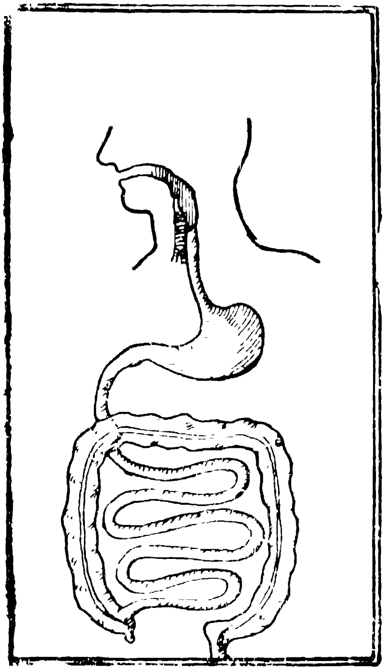
سرمیز چگونه باید غذا بخوریم که دیگران بما نخندند ؟ ـ آیا آب را بهتراست کم کم بخوریم یا یکدفعه سربکشیم ؟ ـ چرا ؟



سر میز غذا

من همیشه سر میز غذا راست می نشینم و بپشتی صندلی تکیه نمیکنم پیش از شروع بغذا دستمال پاك و سفیدی روی زانو هایم پهن میکنم تا لباسهایم کثیف نشود هنگام غذا خوردن آرنجم را روی میز نمیگذارم ومراقب هستم که دست یا تنه‌ام مزاحم رفقایم نشود .

سعی میکنم خیلی تمیز غذا بخورم نانرا



ترتیب غذا خوردن این است که غـذا را در دهان میگذاریم و با دندانها نرم می کنیم (میجویم) غـذا در موقع جویدن با آب دهان مخلوط میشود و همینکه خیسیده و نرم شد آنـرا فرو می بریم غذا از لوله‌یی که دهان را بمعده وصل می کند پائین میرود و وارد معده می شود .

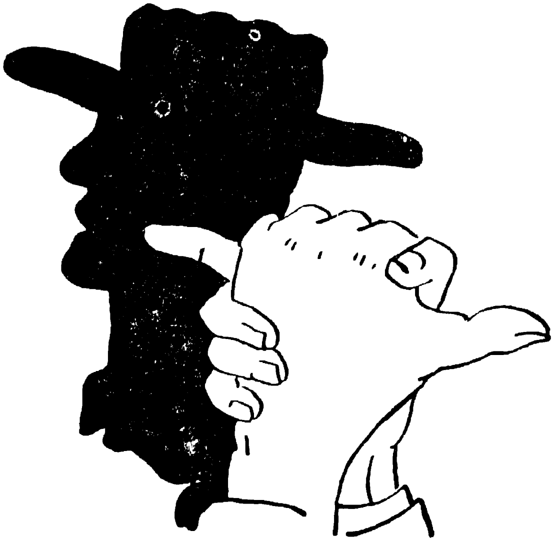
در معده چند قسم آب یا شیره هست که غذا با آنها مخلوط و قدری آبکی می شود بعد از معده بروده باریك می رود و درآنجا خوب آبکی و روان می شود و در این وقت است که میگویند غذا بتحلیل رفته یا گوارش یافته

غذا و بدن

ما روزی چند بار گرسنه می شویم و هر چه بیشتر حرکت بکنیم گرسنگی ما بیشتر می شود برای رفع گرسنگی باید غذا بخوریم.

اگر کمتر از آنچه لازم است غذا بخوریم لاغر میشویم و اگر مدتی غذا نخوریم میمیریم اما اگر باندازه غذا بخوریم تندرست و نیرومند می مانیم و چون مقداری از غذا جزو بدن می شود تا بیست و پنج سالگی روز بروز بزرگتر و سنگین تر میشویم هرچه بزرگتر شویم غذا بیشتر می خواهیم.

برای اینکه چگونگی غذا خوردن را دریابید نخست بشکلی که در صفحهٔ بعد است نگاه بکنید شکل انسانی است که اندرون بدنش پیدا است.



سرگرمی - شب درمقابل چراغ با دست خود شکل آدم درست کنید.



این بچه ها چه میکنند ؟ - در کجا بازی میکنند ؟ - آیا خطری متوجه آنها نیست ؟ - چرا ؟

است دراینجا قسمت صاف و روان غذا را بدن بخود جذب می کند و باقیماندهٔ آن که بدرد نمی خورد از راه رودهٔ بزرگ از بدن بیرون میرود.

۱ـ **پرسش** ـ شبانه روزی چند بار ودرچه موقع گرسنه میشویم ؟ ـ در چه صورت گرسنگی سخت تر و بیشتر خواهد بود ؟ ـ برای رفع گرسنگی چه میکنیم ؟ ـ اگر کمتر از حد لزوم غذا بخوریم چه میشود ؟ ـ بچه ها چرا بیشتر از پیر ها غذا میخورند ؟ ـ غذایی که میخوریم بکجا ها میرود و چه میشود ؟ ـ چه وقت میگویند غذا بتحلیل رفته‌است ؟ ـ آیا غذایی که میخوریم همه‌اش جزو بدن میشود ؟ .

۲ ـ **املا** ـ کلمات زیررا چند بار بنویسید واملای آنهارا یاد بگیرید : گرسنه ـ گرسنگی ـ رفع ـ لاغر ـ معده ـ مخلوط شدن ـ تحلیل رفتن غذا ـ باقیمانده .

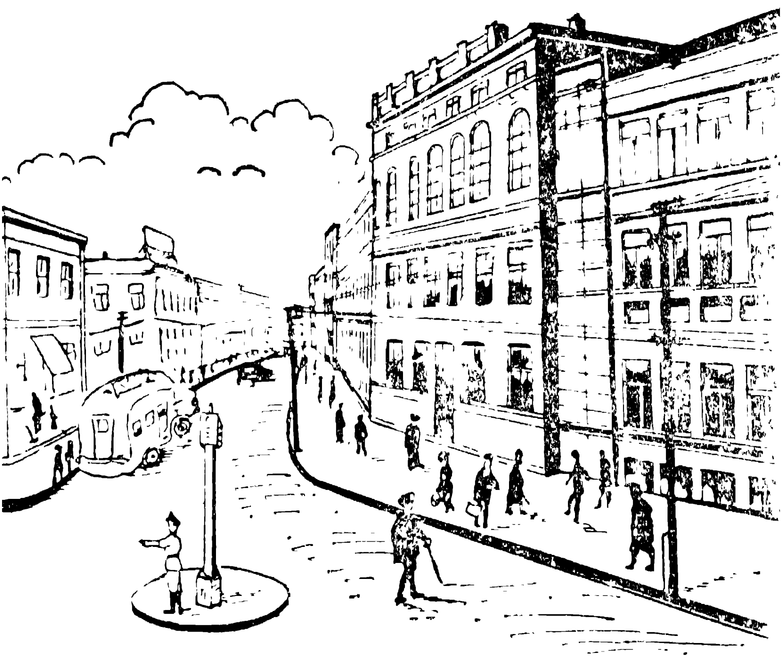
۳ ـ **تکلیف** ـ از روی این سرمشقها چند بار بنویسید :

غذا باندازه بخورید *درحال سیری و بیمیلی غذا نخورید*

آزاد باشد تا وسط خیابان میرویم و آنجا نیز قدری می ایستیم و طرف دست راست خود را نگاه می کنیم و تا درشکه یا اتومبیل یا چهار پایی نیامده است می گذریم .

در دو طرف خیابانهای بزرگ برای آمد و رفت پیادگان پیاده رو ساخته اند و ما همیشه از پیاده رو میرویم .

در شهر های بزرگ سرهر چهار راه یك پاسبان راهنما ایستاده و با دست خود که دستکش سفید دارد بما اشاره میکند که چه وقت بایستیم و چه وقت بگذریم شبها در سر چهارراههای بزرگ طهران عوض پاسبان راهنما چراغ سرخ وسبز روشن می شود رنگ سرخ نشان خطراست ووقتی که روشن میشود اتومبیلها و درشکه ها و گذرندگان می ایستند و چون رنگ سبز روشن شود حرکت می کنند و



راهنماهای ما

در آمدن بدبستان راه بعضی ازما از خیابانهای بزرگ است موقع گذشتن از این خیابانها باید احتیاط کنید که زیر درشکه یا اتومبیل نروید پس اگر بخواهید از یك طرف بطرف دیگر بروید اول دم پیاده رو می ایستید و طرف دست چپ خود را نگاه می کنید اگر

سرماخوردگی

پروین و پریچهر میخواستند بعادت هر روز با هم مشغول بازی بشوند بیاد مهرانگیز افتادند پریچهر گفت دو روز است اورا ندیده‌ام خوب است برویم او را خبر بکنیم پروین گفت باید از مادرم اجازه بگیرم هر دو پیش مادر پروین رفتند .

مادر گفت شنیده‌ام مهرانگیز سرماخوردگی پیدا کرده بروید اما مواظب باشید که زیاد نزدیك او نشوید چون بعضی از سرماخوردگیها مانند زکام واگیر دارد پروین و پریچهر بخانهٔ مهرانگیز رفتند دیدند در رختخواب خوابیده است مهر انگیز از دیدن همبازیهای خود خوشحال شد گفت چند روز است سرما خورده‌ام سرفه و عطسه میکنم از دماغم آب میآید پزشك دستور داده است که در

میگذرند .

ما پاسبان راهنما را دوست می داریم زیرا در رفتن و آمدن بما کمك می کند و مواظب است که از اتومبیل و درشکه آسیبی بما نرسد چراغ هم که درشب کار پاسبان میکند بمنزلهٔ راهنما و کمك ما است و ما باید اشاره های این راهنمایان را اطاعت کنیم .

۱ـ پرسش ـ شما از چند خیابان می گذرید تا بدبستان برسید ؟ ـ نام آن خیابانها را بگوبید ؟ در آن خیابانها پاسبان راهنما دیده اید یا نه ؟ کار آن پاسبانها چیست ؟ـ آیا در محل شماچراغ راهنما هست یا نه ؟ـ این چراغ برای چیست ؟ـ تکلیف ماسبت باشاره های پاسبان وچراغ راهنماچیست ؟ـ هرخیابان چند قسمت دارد ؟ ـ پیاده‌رو برای چیست ؟ـ وسط خیابان برای چیست ؟ـ چرا وسط خیابان پهن تر از پیاده روها است ؟ ـ برای گذشتن از وسط خیابان چه احتیاطهایی باید بکنید ؟

عبارت سازی ـ سه عبارت شبیه باین عبارت : « ما پاسبان راهنما را دوست میداریم » بسازید

مثال ـ ما آموزگار خود را دوست می‌داریم .



لباس زمستانی و تابستانی

در زمستان لباس پشمی می پوشیم برای اینکه پارچه پشمی گرمای بدن را نگاه میدارد و بدن در اینگونه پارچه گرم میماند مردمانی که در جاهای بسیار سرد زندگی می کنند در زمستان لباس پشمی بسیار کلفت می پوشند و بعضی از پوست جانوران از قبیل خز و سنجاب تهیهٔ لباس می بینند .

در تابستان بجای لباس پشمی لباس

رختخواب بخوابم و هر وقت بخواهم عطسه بکنم دستمالی دم دهان خود بگیرم و کسی هم زیاد نزدیک من نیاید.

پروین و پریچهر بهمدیگر نگاهی کردند پریچهر گفت مادر پروین هم همین دستور را بما داد.

۱ - **پرسش** - چرا پروین و پریچهر خواستند مهر انگیز را هم خبر کنند ؟- برای چه پروین خواست از مادرش اجازه بگیرد ؟ - مادر پروین بپروین و پریچهر چه گفت ؟- چرا وقت عطسه کردن مهر انگیزدستمال دم‌دهانش میگرفت ؟- شما وقتی میخواهید عطسه یاسرفه کنید چه میکنید ؟(۱) چرا پزشك دستور داده است کسی نزدیك مهرانگیز نرود ؟

۲ـ این لغتها را چند دفعه بنویسید واملای آنها را یاد بگیرید (اجازه- سرماخورده ـ سرماخوردگی ـ رختخواب — خوشحال — عطسه کردن — سرفه کردن ـ نگاه — دستور)

۳ـ **املا** — نصف درس را املا کنید.

٤ ـ **تکلیف** — ازروی این سرمشق چند بار بنویسید.

بعضی سرماخوردگیها مانند زکام واگیردارد

---

(۱) (مثلا برای اینکه آب دهانم بصورت دیگران نبرد سرم را برمیگردانم و یا دستمال دم دهانم میگیرم)

خدمتگذار پیر

پیرزنی گربه‌یی داشت این گربه درخانهٔ او پیر شده بود وازپیری دندانهایش ریخته بود نه میتوانست غذای خود را بجود و نه میتوانست تند بدود یك روز این گربه موشی گرفت و چون دندان نداشت نتوانست او را بکشد و موش از دهانش در رفت و فرار کرد پیرزن که این حال را دید خشمگین شد و گربه را کتك زد گربه چیزی نگفت اما نگاه مخصوصی بصورت پیرزن کرد پیرزن فهمید که میخواهد بگوید خدمتگزار قدیمت را چرا میزنی من چندین سال بتو خدمت کرده‌ام حالا هم دلم می‌خواهد برایت کار بکنم اما چه کنم که پیرو بی قوه شده‌ام پیرزن که خودش هم از درد پیری خبرداشت دلش بحالش گربه سوخت واورا

پنبه‌یی و کتانی می پوشیم زیرا پارچه پنبه یی و کتانی حرارت بدن را نگاه نمیدارد و بدن در این قبیل پارچه ها از آسیب گرمای سخت محفوظ میماند.

مردمان کشور های گرمسیر بلباس پشمی کمتر محتاج میشوند و لباسشان در هر فصل از جنس پنبه و یا کتان است و تفاوتی که دارد این است که لباس زمستانیشان کلفت و لباس تابستانیشان نازك و سبك است.

۱- **پرسش** — درزمستان چگونه لباس می‌پوشیم ؟- چرا ؟- درتابستان چه طور ؟- چرا ؟- مردمان کدام کشورها کمتر لباس پشمی می‌پوشند ؟- حالا چه فصل‌است ؟ - چگونه لباس پوشیده اید ؟- چرا ؟

۲-**تکلیف** — از روی این‌سرمشق چند بار بنویسید :

در تابستان بجای لباس پشمی لباس پنبه یی و کتانی میپوشیم

قند و نمك

اسباب کار - چند حبه قند - چند تکه نمك - آب - نعلبکی - قاشق چراغ الکلی یا منقل آتش

پرسش پیش از درس - نمك بچه درد میخورد ؟ - قند بچه کار میخورد ؟ چه غذاها را می‌شناسید که بایدبآنها نمك زد ؟ بچه غذاها نمك نمیزنند ؟ باقند چه چیزها درست میکنند ؟

۱ - ذره های بلورین قند و نمک - قند و نمك هردو از دانه های کوچك برّاق و شبیه بخرده شیشه درست شده است اینگونه دانه را ذرّه های بلوری مینامند و می گویند که‌قندونمك از ذرّه های بلوری درست شده است .

۲ - فرق قند و نمک - اگر یك حبه قند و یك تکه نمك را خوب بکوبیم از هر دو گردی سفید رنگ بدست میاید که تا نچشیم معلوم نمیشود کدام قند و کدام نمك است، نتیجه آنکه ذره های قند ونمك در رنگ یکی است اما در مزه تفاوت دارد .

نوازش نمود و از آن پس با او بمهربانی رفتار کرد ودیگر اورا نرنجانید .

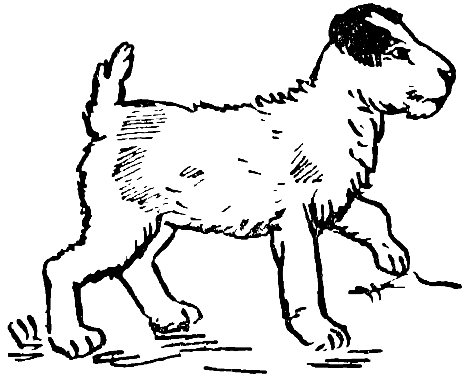
۱-**پرسش** - گربهٔ پیرزن چرا نمیتوانست غذای خود را بجوید ؟ - موش چرا از دهان او رها شد وفرار کرد ؟ - از نگاه مخصوص گربه پیرزن چه فهمید؟ پیرزن چرا دلش بحال گربه سوخت ؟

۲- **پرسش فکری** — چرا باید باشخاص پیر کمك کرد ؟ - نسبت بخدمتکاری که چندین سال در خانهٔ شما خدمت کرده و حالا پیر شده است چگونه رفتار میکنید ؟ - چرا ؟ (۱)

۳— **تکلیف** — از روی این سرمشق چند بار بنویسید .

پیرزن باگربهٔ خود بمهربانی رفتار کرد

نقاشی - شکل سادهٔ این سگ را بکشید :



(۱) راجع بلزوم حسن رفتار باخدمتکاران خانه و همچنین راجع بلزوم حسن رفتار باحیوانات خانگی ومفید گفتگو شود .

و پس از پرشدن راهش را می بندند آفتاب بر حوضچه ها میتابد و آب آنها را در مدت چند روز می خشکاند و در ته هرحوضچه یك طبقه نمك باقی می ماند این‌نمك را با بیلهای سر کج جمع می کنند و پس از صاف کردن بمصرف می رسانند .

سنگ برخی از کوهها هم نمك خالص است و کارگران آن سنگهارا می کنند و برای خرید و فروش باطراف میبرند نمك سنگ در کوههای یزد و قم هست و معمولا آنرا نمك ترکی می گویند.

۵ - قند از چه درست میشود؟- قند را از یك نوع چغندر مخصوص می گیرند باین ترتیب که چغندر قند را در کارخانهٔ قند سازی می فشارند تاشیره اش بیرون بیاید شیره را در دیگهای بزرگ میجوشانند آب آن بخارمیشود

۳- حل شدن قند و نمک در آب - پاره‌یی نمک یا قند را اگر در آب بیندازید و بهم بزنید قند و نمک خرده خرده کم میشود تا تمام بشود دراین حال قند و نمک از بین نمیرود بلکه ذرّه هایش در آب حل میشود یعنی جزو آب میشود و بشکل آب درمیآید دلیلش اینکه اگر دو آب‌را بچشم می بینیم یکی شیرین و دیگری شور است دلیل دیگر اینکه اگر قدری از آب شیرین یاشور را در نعلبکی بریزیم ودرآفتاب یا درروی آتش بگذاریم آب کم کم بخار میشود و در ته دو نعلبکی دانه های سفید یا ذرّه‌های بلوری قند و نمک دیده میشود .

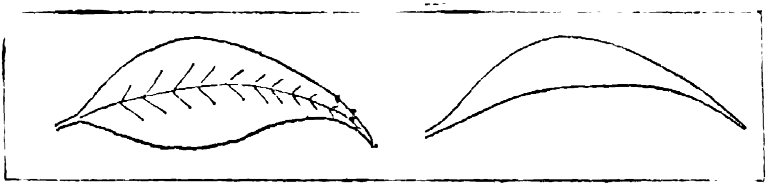
٤ - نمک از کجا می آید؟ - آب دریا خیلی شور است و میتوان نمک از آن گرفت باین ترتیب که در کنار دریا حوضچه های پهن و کم ته می کنند وآب دریارا درآنها راه میدهند

۳ - کلمات زیررا چند دفعه بنویسید و املای آنها را یاد بگیرید :
یك حبه قند - براق (برق) - خرده شیشه - ذره - حل شدن- نعلبکی - حوض -
حوضچه - طبقه - مصرف رسانیدن - چغندر - نیشکر (سرهم بنویسید)

۴- **تکلیف** - از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

قند و نمک از ذرّه های بلوری درست شده است

نقاشی - از روی این شکل بکشید :



رسم - مطابق شکل زیر روی کاغذ شطرنجی بکشید.



و قند باقی می ماند.



قند را از نیشکر هم میگیرند نیشکر قسمی از نی است که در گرمسیر ها می روید و چون از آن شکر می گیرند آن را نیشکر می گویند.

۱- **پرسش** - یك تکه نمك سفیدرا ازیك حبه قند چگونه تشخیص می دهید؟ - خاکه قند را از خاکه نمك چه طور تشخیص می دهید؟ - اگر آب شیرین ویا آب شور را بجوشانند تابکلی بخار شود در ته ظرف چه میماند؟- نمك از کجا بدست می آید؟ - بچه طریق؟- قند را ازچه میگیرند؟

۲ - **جواب این پرسشها را بنویسید** (کارهایی که میشود یکی یکی بنویسید) برای شیرین کردن چای چه میکنید؟ - مادر شما نمك را از کجا **برمیدارد و چگونه در غذا میریزد؟**

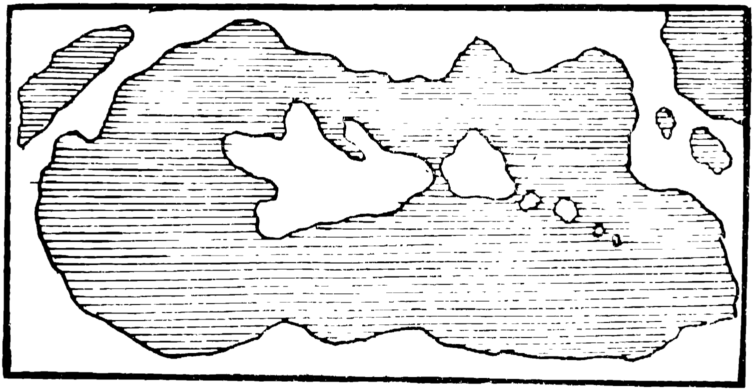
و هر جا که گود باشد پر میکند این گودیها را که آب پر کرده است دریاچه می نامند دریاچه ها چنانکه نقشه هم نشان میدهد بهم راه ندارد و همه طرف آنها را خشکی گرفته است دریاچه‌ها همه بیك‌اندازه نیست و کوچك و بزرگ دارد .

در درون آن هم قسمتهای سفید رنگ می بینید و این قسمتها خشکیهای بزرگ و کوچك است که هر طرف آنها را آب گرفته وبهم راه ندارد این خشکیها را جزیره مینامند برخی از این جزیره ها آباد وپرجمعیت است و مردم در آنها شهر ها و دهکده ها ساخته‌اند و برخی کم جمعیت است یا اینکه اصلا(۱) سکنه ندارد و یامسکن مردمان وحشی است .

۱ـ **پرسش** ـ آیا درون خشکی زمین آب وجود دارد یا نه ؟

---

(۱) اصلا چنین خوانده میشود : اصلن



دریاچه و جزیره

در یکی از درسهای پیش خواندید که آب زمین سه برابر خشکی زمین است از این تقسیم چنین تصور نکنید که هر کجا آب هست خشکی وجود ندارد و هر کجا خشکی است آب وجود ندارد بنقشهٔ بالای صفحه بدقت نگاه کنید و قسمتهایی که دارای خطهای سیاه است ببینید.

این قسمتها گودالهای بزرگی است که در خشکی وجود داشته و آب آنها را پر کرده‌است زیرا آب ازبلندی روبپستی میرود

اسکندر و سرباز

اسکندر از پادشاهان بزرگ یونان قدیم بوده است.

اسکندر لشکریان جنگی بسیار داشت و واورا اسبی پرزور بود که بسیار تند راه میرفت

روزی بر اسب خود سوار بود از جلوی لشکریان خود میگذشت و سرباران را دیدن میکرد چشمش بسرباری افتاد که بر اسبی ناتوان و لاغر سوار بود باو گفت این اسب مردنی چیست که بر آن سوار شده یی؟

سرباز خندید و درجواب گفت من بر این اسب نشسته ام تا همیشه در میدان جنك بمانم و تو بر آن اسب تیز رو نشسته‌یی تا بتوانی‌از میدان جنگ بگریزی.

۱ - **پرسش** - اسکندر که بوده است؟ - اسب اسکندر چه‌طور بود؟ اسکندر وقتی چشمش باسب سرباز افتاد چه گفت؟ - سرباز چه جواب داد؟

آبهایی که در خشکی می‌بینیم از کجا آمده وچگونه جمع شده است ؟ ـ دریاچه چیست ؟ آیا دریاچه ها بهم راه دارد ؟ آیا در آن بخشهای زمین که آب است خشکی وجود دارد یا نه ؟ ـ این خشکیها را چه مینامند ؟ ـ جزیره چیست آیا جزیره ها بهم راه دارد ؟ درجزیره‌ها آبادانی وجمعیت هست یا نه ؟

۲ـ جواب این سؤالات را بنویسید:

(۱) ـ جزیره چیست؟

(۲) ـ دریاچه چیست؟

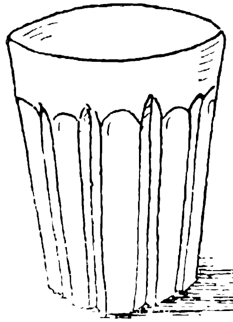
(۳) ـ آیا دریاچه ها بهم راه دارد؟

(٤) ـ آیا جزیره ها بهم راه دارد ؟

۳ ـ **تکلیف** — از روی این سرمشق چندبار بنویسید :

آب زمین سه برابر خشکی زمین است

نقاشی : از روی این شکل بکشید :



موادی که خوب حل میشود

در افسانه های قدیم آمده است :

«الاغی که بارش نمك بود از جوی آبی می گذشت از قضا پایش لغزید و بابار درمیان آب افتاد و پس از آنکه بیاری صاحبش برخاست بار خودرا سبك یافت وخیلی خوشحال شد روز دیگر پشم بارش بود و وقتی که از آن جوی آب می گذشت بخیال اینکه بارش سبك بشود باز در آب خوابید اما در این نوبت بارش سنگین تر شد بطوری که نتوانست از جای برخیزد »

✿ ✿ ✿

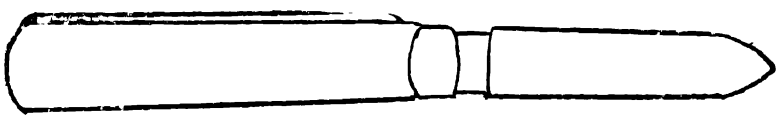
اکنون باید دید که سبب سبك شدن بار الاغ در نوبت اول و سبب سنگین شدنش در

۲- **تکلیف** — از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

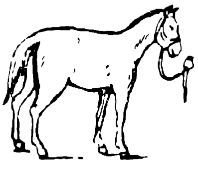
اسکندر از پادشاهان بزرگ یونان قدیم بوده است

نقاشی :

۱ـار روی این شکل باستاره بکشید :



۲- شکل سادهٔ اسب را بکشید :



بیشتر حل میشود.

۱ — **پرسش** - روز اول روی الاغ چه بار کرده بودند ؟ — **در** جوی آب چه برسر الاغ آمد ؟- **وقتی** الاغ بلند شد چه احساس کرد ؟ - **روز** دوم بار او چه بود ؟ — ایندفعه الاغ چه کرد ؟ - **روز اول چرا بارش سبك** **ترشد** ؟ — روزدوم چرا بارش سنگین‌تر شد ؟ — آب غیر از نمك چه **چیزهای** دیگر را حل میکند ؟

۲- این لغات را چند بار بنویسید و املای آنها را یاد بگیرید .

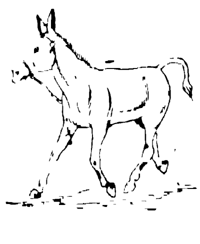
ازقضا - لغزید - برخاست (فرق آن باخواست)

۳- تجربه کنید :

(۱) در یك استکان آب سرد و در یك استکان آب داغ آن قدر **قند** حل کنید که هر دو سیر بشوند ببینید در کدام یك بیشتر و زود تر **قند حل** میشود .

(۲) چیزهای مختلف (قند — شکر — نمك — آرد — گچ — خاك . . .) را در آب بریزید و بهم بزنید ببینید کدام‌یك در آب حل **میشود** .

نقاشی - شکل سادهٔ این الاغ را بکشید :



نوبت دوم چه بوده است؟ در نوبت اول که نمك بارش بود مقداری از نمك در آب حل شد و وزن آن کمتر شد و درنوبت دوم پشمی که بار الاغ بود مقداری آب بخود کشید و و وزنش بیشتر شد.

آب بعضی چیز ها را درخود حل میکند یعنی مقداری از آن چیز ها داخل آب و جزو آب میشود و دیگر دیده نمیشود یك قطعه سنگ ویك تکه نمك را درلیوان آب بیندازید و با قاشقی بهم بزنید نمك رفته رفته درآب حل میشود اما سنگ بحال خود میماند.

وقتی شربت قند درست میکنید هنگامی میرسد که هرچه بهم بزنید قند حل نمیشود ومانندسنگ در ته ظرف میماند سبب اینست که آب ار قند سیر شده است ودیگر نمیتواند آنرا حل بکند اما اگر آب راگرم بکنید نمك و قند در آن

میشوند و مدتی در آب میمانند تا از سختی گرما آسوده شوند.

بعضی از حیوانات آشیانه ولانهٔ خود را در کنار رود خانه میسازند و بعضی از قبیل قورباغه و پاره‌یی مارها و کرمهای خاکی جاهای نمناك و خنك را دوست دارند قورباغه در جایی که رطوبت نیست مقداری بزمین فرو میرود تابخاك نمناك برسد ودرآنجا راحت کند.

۱ـ **پرسش** ـ آیاحیوانات بآب نیازمندند ؟ـ وقتیکه بآب نرسند چه میکنند ؟ـ چند مثال بیاورید ؟ ـ چه حیواناتی جای نمناك و خنك را دوست می دارند ؟

خود شما وقتی تشنه میشوید چه حالی پیدا میکنید ؟ ـ با آب چه کارها میکنید ؟ ـ کارهایی‌را که دیروز با آب کرده اید یا دیگران برای شما انجام داده اند بخاطر بیاورید و بنویسید و بعد از نوشتن برای رفقای خود بخوانید.

۲ـ **املا** ـ این کلمات را چند بار بنویسید واملای آنهارا یاد بگیرید:

تشنه ـ تشنگی ـ حرص ـ مخصوص ـ عذاب ـ هیاهو ـ قورباغه.

آب مایهٔ زندگانی است

آب مایهٔ زندگی است وآدمی وجانوران وگیاهها بی آب زنده نمیمانند جانور هم مانند انسان از تشنگی بی تاب وتوان میشود واگر مدتی دور از آب بماند می میرد حیوانی که مدتی تشنه مانده است وقتی که آب می‌بیند خود را بی پروا بآن میرساند و با شتاب و حرص مخصوص آب میخورد و از این حال معلوم میشود که تاچه اندازه ازتشنگی دررنج وعذاب بوده است.

بیشتر حیوانات مانند انسان از آب تنی لذت میبرند در موقع گرمی هوا بعضی پرندگان برلب آب جمع میشوند و باهیاهو و خوشحالی مخصوص پر و بال خود را بآب میزنند و بهمه جای خود آب میپاشند گاو و اسب وسگ وقتیکه بنهرآبی میرسند داخل نهر

بخشی از آب را که درون خشکی پیش رفته است خلیج می نامند و بخش بزرگی از خشکی‌را که درآب پیش رفته باشد شبه جزیره میگویند شبه جزیره سه طرفش آب است و یك طرفش متصل بخشکی است .

۱ـ **پرسش** ــ دریا چیست ؟ ـ خلیج چگونه است؟ ـ تفاوت میان دریا و دریاچه چیست ؟ ـ ازدریا ودریاچه مردم بچه وسیله میگذرند ؟ ـ شبه جزیره چیست ؟ ـ تفاوت میان جزیره و شبه جزیره چیست ؟ ـ درنقشه های دبستان آبرا بچه رنگ نشان داده‌اند ؟ ـ وخشکی را بچه رنگ ؟

۲ـ جواب این پرسشهارا بنویسید

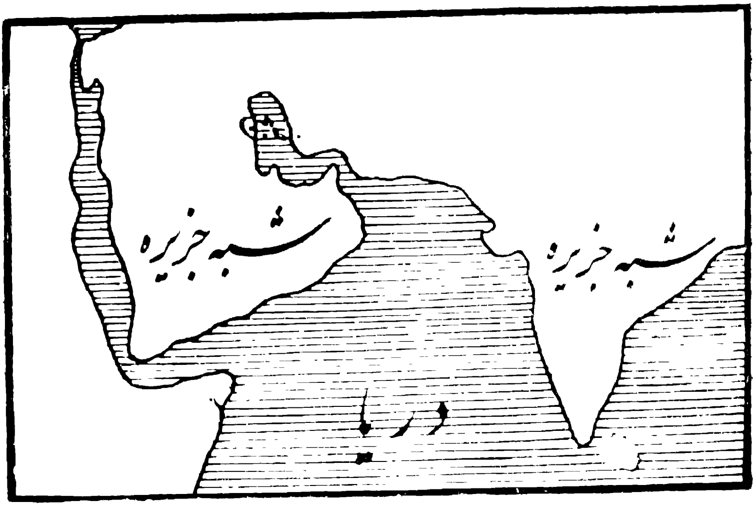
(۱) دریا چیست ؟

(۲) خلیج چیست ؟

(۳) شبه جزیره چیست ؟

(٤) آیا دریا ها بهم راه دارند ؟

۳ـ نقشه کشی ـ از روی نقشهٔ صفحهٔ پیش بکشید و نام هر قسمت را رویش بنویسید



دریا و خلیج و شبه جزیره

نقشهٔ بالا آب را باخطهای سیاه و خشکی راسفید نشان میدهد دراین نقشه درمیان خشکی بخشهای بزرگی از آب می‌بینید که بآبهای دیگر راه دارد این بخشها را دریا می گویند دریاها بعضی بزرگ وبعضی کوچکند و آب همه شور است در دریا انواع ماهی بزرگ و کوچك فراوان است و مردم بعضی آنها را شکار میکنند و بمصرف فروش و غذا میرسانند .

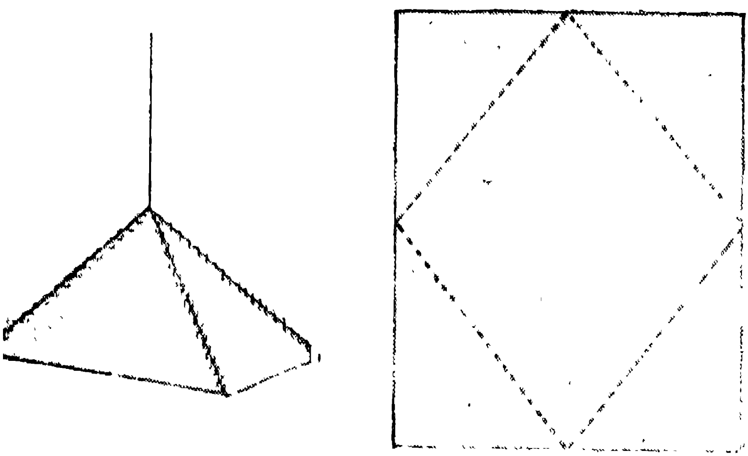
پرسش - برای چه آب می‌خوریم ؟ - غیر از رفع تشنگی آیا آب فایدهٔ دیگری هم دارد ؟ - بزرگترین فایدهٔ آب چیست ؟ - کار خون چیست ؟

کاردستی :

۱ - از مقوا یك چهار گوش ببرید .

۲- مطابق نقشهٔ دست راست روی آن نقطه چین بکنید

۳- مطابق خطهای نقطه چین تا کنید ولبهٔ سه گوشه‌ها را بهم بدوزید تا جسمی مانند شکل دست چپ درست شود.



نیازمندی انسان بآب

آبی که میخوریم تنها تشنگی ما را فرو نمی‌نشاند بلکه اندرون بدن ما را هم می شوید و از چیز های نا پاك پاك وپاکیزه می سازد پس باید در هرروز سه چهار بار آب صاف و پاکیزه بخوریم تا اندرون بدن ما پاك بشود و تندرستی ما برقرار بماند .

بزرگترین فایدهٔ آب ساختن خون است که زندگی بدان برپااست آبی که می‌آشامیم قسمتی از آن جزو خون می شود و خون را تازه و نیرومند می کند کار خون رسانیدن غذا بهمه بدن است غذایی که میخوریم وارد خون میشود و خون در گردش خود آنرا بهمه جای بدن می رساند پس اگر آب نیاشامیم خون بدن ما تازه و نیرومند نمی شود و چنانکه باید غذا را بهمه بدن نمیرساند .

نیستم و بعادت خروسان چشمهای خود را بست
و بالها را برهم زد و بنای خواندن گذاشت
روباه هم فرصت یافت جست و او را گرفت



سگهای ده خبرشدند و روباه را دنبال کردند
خروس بروباه گفت اگر میخواهی از دست
سگها در امان باشی فریاد کن و بگو خروسی
که من گرفته‌ام ازده شما نیست از ده دیگر است
روباه فریب خورد وهمینکه دهان خود را بفریاد
باز کرد خروس پرید .

روباه از روی پشیمانی نگاهی بخروس
کرد و گفت لعنت بدهنی که بیموقع باز شود
خروس گفت لعنت بچشمی که بیموقع بسته شود



خروس و روباه

روباهی از نزدیک دهی میگذشت خروسی را دید که دانه برمی چیند پیش رفت و سلام کرد و گفت پدرت خروسی بسیار خوش آواز بود و من هروقت از اینجا میگذشتم و آواز او را می شنیدم دلخوش میشدم .

خروس گفت من هم در آواز کمتر از پدرم

آب در هوا

درهوا آب هست — حولهٔ تری را که در آفتاب روی درختی پهن بکنید پس ازمدتی آب آن بهوا میرود و حوله خشك میشود .

سماور که میجوشد بخار آب ازسوراخهای آن خارج میشود و بهوا میرود و کم کم ناپیدا میشود و دیگر آنرا نمی بینید .

آب از جا های بسیار داخل هوا میشود مثلا وقتی که باران میآید یا رفتگران خیابان را آب می پاشند زمین تر می شود اما پس از چندی آب بهوا میرود و زمین میخشکد .

درروزهای بهار صبح زود ببرگ درخت و گل که نگاه بکنید در روی آنها قطره های کوچك آب می بینید که ژاله یا شبنم گویند اما وقتی که آفتاب پهن و هوا گرم شد اثری

۱ـ**پرسش :** روباه بخروس چه گفت ؟ ـ خروس چه جواب داد ؟ ـ بعد چه کرد ؟ ـ سگهای ده چرا روباه را دنبال کردند ؟ ـ خروس چه گفت ؟ ـ روباه چه کرد ؟

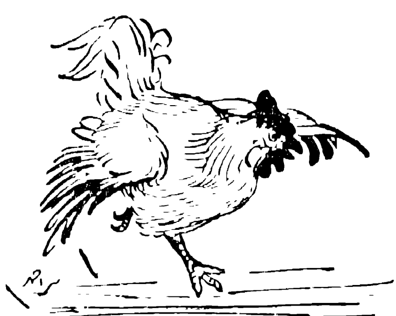
۲ـ**املا :** این لغات را چند بار بنویسید و املای آنها را یاد بگیرید . خوشدل (همیشه سرهم) ـ عادت ـ فرصت ـ رهایی ـ لعنت ـ موقع

حکایت بالا را املا کنید .

۳ـ **بازی** ـ از شاگردان یکی خروس و یکی روباه بشود وحرفهای آنهارا تکرار کنند.

٤ـ **تکلیف** ـ ازروی این سرمشق چند بار بنویسید :

خروس گفت لعنت بچشمی که بی موقع بسته شود



این خروس چه حالی دارد ؟

گیاهها بآب نیازمندند

گیاه هم مانند انسان و جانوران محتاج بآب است و برای اینکه خوب بروید و بزرگ شود گذشته از نور آفتاب و خاك خوب آب هم باید بخورد در جاهایی که گرما و باران بسیار است انواع نباتات بآسانی و فراوانی میروید و گاهی جنگلهای انبوه و پر درخت بوجود میآید کسی که میخواهد در این جنگلها



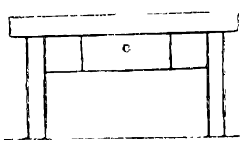
برود باید مقداری از شاخه های درختان و علفها را ببرد تا راهی برای خود باز کند و پس از چند روز اگر بخواهد بر گردد آن راه را پیدا نمیکند زیرا درختها و علفها دوباره رُسته و راه

از ژاله و شبنم نیست زیرا بخار شده و بهوا رفته است .

پرسش ـ وقتی که سماور میجوشد بخار آب آن بکجا میرود ؟ ـ آیا بخار آنرا می بینید ؟ ـ چه وقت بخار آنرا می‌بینید ؟ـ رخت شسته‌را چرا روی بند آویزان میکنند ؟ ـ آب آن چه میشود ؟ ـ آیا میتوانید بگوئید آب از کجا ها داخل هوا میشود ؟ ـ ژاله یا شبنم چیست ؟

معنی این لغات‌رابگوئید رفتگرای ـ اثر

رسم ـ از روی این شکل با ستاره بکشید و رنگ آمیزی کنید



رنك آمیزی. سه رنگ اصلی عبارت‌است از آبی و زرد و قرمز

۱ـ اگر رنگ آبی و زرد را مخلوط کنید سبز میشود

۲ـ اگر رنك آبی و قرمز را مخلوط کنید بنفش میشود

۳ـ اگر رنگ زرد و قرمز رامخلوط کنید نارنجی میشود

اگر شما سه رنگ آبی و زرد وقرمز دارید با آنها میتوانید رنگهای سبز و بنفش و نارنجی هم درست کنید

(۱) آب از کدام سمت میآید ؟

(۲) آب نهر است یا قنات ؟

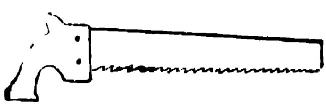
(۳) حرکت آب تند است یا کند ؟ـ سبب تندی یا کندی آن چیست ؟

این مطالب را بعبارات ساده بنویسید

۳ - **تکلیف** - از روی این سرمشق چندبار بنویسید:

گیاه هم مانند انسان و جانوران محتاج بآب است

نقاشی - از روی این شکل بکشید :





را کور کرده است . در صحرا با وجود گرمای سخت گیاه و درخت نمیروید وسببش کمی بارندگی و خشکی زمین است در صحرا و بیابان اگر بخواهند زراعت کنند و درخت بکارند باید از کوه یا نهر یا قنات آب بیاورند .

۱ – **پرسش** - گیاه برای روییدن بچه چیزها نیازمند است ؟ - اگر بگیاه آب نرسد چه می‌شود ؟- اگر بباغی آب نرسد آب باغ چه حال پیداخواهد کرد ؟ - جنگلهای انبوه در کجا ها پیدا میشود ؟ - چرا در بعضی صحرا ها درخت وسبزه نایاب یا کم است ؟- در اطراف ده یا شهر شما جنگل هست ؟ - صحرا چه طور ؟- در صحرای نزدیك شهر یا ده شما درخت و علف وجود دارد یانه ؟- چرا ؟

۲- **گردش علمی** - در ده و یا شهر خود ملاحظه کنید :

در دبستان وقت درس درس می خوانم و وقت تفریح عوض اینکه یکجا بنشینم میدوم و بازی میکنم شب درسهای روز خودرا حاضر میکنم وقت شام غذای سبك میخورم یك ساعت بعد از شام میخوابم - در خوابیدن سرم را از لحاف بیرون میگذارم چشم و دهانم را می بندم و تا صبح راحت میخوابم صبح که بلند میشوم تندرست وبا نشاط هستم.

۱ – **پرسش** - چه ساعت ناهار میخورید ؟ چه ساعت شام می خورید ؟ - قبل از خوابیدن دندانتان را مسواك میزنید ؟ - چگونه مسواك میزنید ؟ (۱) – چه ساعت میخوابید ؟ - چه وقت بیدار میشوید ؟ – برای اینکه تندرست باشید چه کار ها باید هر روز بکنید ؟ – صبح که از خواب برمیخیزید تا بدبستان بیایید چه کارها می کنید ؟

---

(۱) هرگاه نوآموزان طریقهٔ صحیح مسواك زدن را نمیدانند باید طریقهٔ صحیح را عملا بآنها یاد داد مسواك را باید از بالا بپایین و از پایین ببالا کشید تا لای دندانها پاك شود بعد روی لثه ها و سر دندانها و پشت دندانها را هم باید مسواك کشید

چرا تندرستم

دختر بچه های دبستان دور جمشید را گرفتند و گفتند تو چه کار میکنی که همیشه تندرست و خرم و خندانی؟ گفت بدستور مادرم رفتار میکنم گفتند بما هم بگو که یادبگیریم گفت هرروز پیش‌ازآفتاب ازخواب بر میخیزم لباس خانگی خود را می پوشم پنجره های اطاق را باز میکنم میروم توی حیاط در هوای پاکیزهٔ صبح قدری گردش و ورزش میکنم دست و رویم را با آب سرد میشویم دندانهایم را مسواك میزنم بعد چای و صبحانه ام را میخورم دیگر تا ظهر هیچ چیز نمیخورم ظهر هم ناهار میخورم همیشه پیش از غذا و بعد از غذا دست و دهانم را میشویم هنگام نفس کشیدن دهانم را می بندم و از راه بینی نفسهای بلند میکشم

بچهٔ خوب

بچهٔ خوب و عاقل و هشیار
اول صبح می شود بیدار
میرود از اطاق خود بیرون
میبرد آب و حوله و صابون
میکند دست و روی خودرا پاك
خوب دندان خویش را مسواك
می زند شانهٔ تمیز بموی
صاف و برّاق میکند سر وروی
می نماید لباس خود در بر
می رود با ادب بپیش پدر
سخن اول و شروع کلام
می کند با پدر بمهر سلام
میرود با دهان خندان پیش
می زند بوسه دست مادرخویش

۲ـ املای این لغتها را خوب یاد بگیرید: همیشه- خانه ـ خانگی ـ حیاط ـ مسواك ـ صبحانه ـ ناهار ـ تفریح ـ عوض ـ حاضر ـ غذا ـ **لحاف** .

نصف درس را بشاگردان املا کنید .

۳ـ **تکلیف**ـ از روی این سر مشق چند بار بنویسید :

وقت شام غذای سبک می خورم یک ساعت بعد از شام میخوابم

دارد و این گرد و غبار روی چیز ها می نشیند
وجلوگیری از آن ممکن نیست خانهٔ میز مرا
ببینید هر روز عصر آنرا پاك میکنم و درش
را می بندم و میروم صبح که بدبستان
برمیگردم و در آنرا باز میکنم هرچه در آن
گذاشته ام خاك گرفته است چگونه خاك
وارد خانهٔ میز می‌شود ؟ سببش این است که
همیشه مقداری هوا داخل آن میشود وگرد
و غبار هوا روی چیز هایی که در آنجا است
می‌نشیند مگر درخانه ندیده اید که مادرتان
لباسها را در گنجه میگذارد و در گنجه را
می بندد اما پس از یك هفته که در را باز
میکند می بیند که گرد و خاك روی لباسها
نشسته است و ناچار است ماهوت پاك کن
بآنها بزند سبب خاك‌آلود بودن برگ درختها
هم همین است و هر وقت باران بیاید خاك

می نشیند برای صبحانه
بعد از آن ترك می کند خانه
بدبستان برای کسب کمال
بچهٔ خوب می رود خوشحال

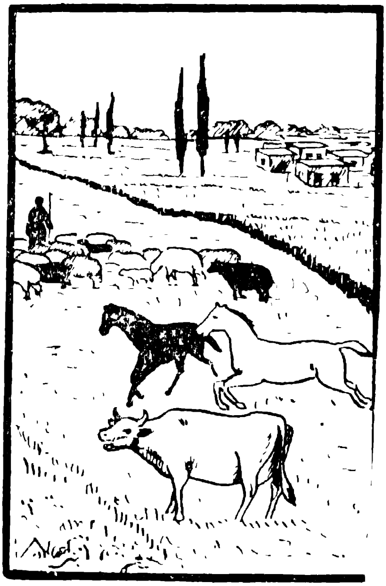
ع - یمینی شریف

گرد و غبار هوا

گرد و غبار در هوا - پروین از آموزگار پرسید در صورتیکه موقع تابستان مدرسه تعطیل است و در کلاسها بسته است چرا پانزدهم شهریور که فراش مدرسه میآید و در ها را باز میکند روی تمام میز و نیمکت و صندلیهارا خاك گرفته است ؟

آموزگار گفت چون هوا گرد و غبار

درس - جلگه وصحرا



خشکی زمین در همه جا بیک شکل نیست و در آن زمین های پست و بلند و هموار وناهموار دیده میشود زمینهای صاف و هموار را دشت یا جلگه می گویند در بعضی جلگه ها هوا خوب است و بارندگی بسیار و سبزه وعلف فراوان است در اینگونه جلگه ها شهر و دهکده بسیار ساخته میشود و بیشتر مردمان آن زراعت میکنند و گاو و گوسفند و اسب پرورش میدهند.

در بعضی از زمینهای صاف و هموار

آنها را می شوید و میبرد و برگها تر و تازه می شوند .

۱- **پرسش** - چرا پس از تعطیل تابستان روی میز و نیمکت و صندلیها را خاک گرفته است ؟ - چرا روی اسبابهایی که درخانهٔ میز و یا توی گنجه است گرد و خاك میگیرد ؟ - برای گرفتن گرد لباس چه میکنید ؟ - فراش دبستان چگونه میز ونیمکت را گردگیری میکند ؟

۲- **فکر کنید وجواب دهید** - بگویید گرد و خاك از کجا وارد هوامیشود ؟ - وقتی می خواهید حیاط را جاروب کنید چه باید بکنید که گرد بلند نشود ؟

۳- **عبارت سازی** - سه جمله شبیه باین جمله :

« تابستان مدرسه تعطیل است »

بسازید .

٤- **تکلیف** - از روی این سرمشق چند باربنویسید :

هوا گرد و غبار دارد و این گرد و غبار روی چیزها می نشیند

۱ـ **پرسش** ـ جلگه چگونه زمینی‌است ؟ـ درکدام جلگه ها شهر دهکده بسیار ساخته می‌شود ؟ ـ دراین جلگه ها مردم چه میکنند ؟ ـ صحرا گونه زمینی است ؟ ـ تفاوت میان جلگه وصحرا چیست ؟ ـ درصحرا چگونه سافرت می کنند ؟ ـ آیا مسافرت درصحراها آسان‌است ؟ـ چرا ؟
آیا دراطراف شهر یا ده شما جلگه هست ؟ ـ آیا درآن زراعت میشود؟ ه چیزها زراعت میکنند ؟ ـ چه حیواناتی نگاه داری میکنند ؟

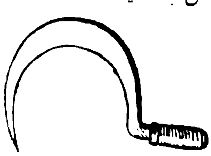
۲ـ **گردش علمی**ـ ملاحظهٔ وسعت و همواری زمین جلگه و صحرا درجلگه های هموار هم پستی و بلندیهای کوچك دیده میشود) ـ اگردرجلگه آب فراوان باشد دههای نزدیك بهم است وزراعت فراوان میباشد ـ ملاحظه حیوانات جلگه : در جلگه اطراف شما چه نوع حیوان بسیار است ؟

۳ـ **تکلیف** از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

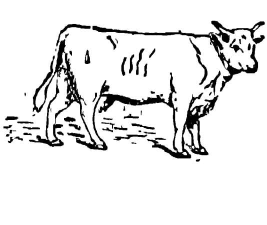
زمینهای صاف وهموار را دشت یا جلگه میگویند

نقاشی :

۱ـ از روی این شکل بکشید :



۲ـ شکل سادهٔ گاو را بکشید



هوا بسیار خشك و بارندگی کم است اینگونه زمینها را صحرا میگویند صحرا ها عموما



بی آب و گیاه وخالی از مردم وآبادی است ومردم از آنجا با شتر عبور می کنند در برخی از صحراها شن و ریگ فراوان است وگاهی که باد میوزد این شنها باطراف پراکنده و هوا تیره و تار میشود و مسافر راه خود را گم میکند .

در صحرا آب بدست نمی آید و مسافر صحرا باید آب با خود بر دارد و گر نه از تشنگی هلاك میشود .

بند دوم

از دشت سبز و خندان
از گلشن آبادان
از سایهٔ درختان
شادان شود جسم و جان
گلهای سرخ نیکو
با زنبق و با شب بو
با نرگسهای خوشبو
روییده برلب جو
باد بهاری وزد از کوهسار
تازه شود جان زنسیم بهار
چونکه شوی خسته و نالان زکار
روبسوی دشت و گلستان بیار
(گل گلاب)

سرود

دشت

گیتی سبز است و خرّم
نسیم آید دمادم
این زیبایی در عالم
از دل برون برد غم
آب روان بجوی است
گلها بارنگ و بوی است
قُمری بشست وشوی است
بلبل در گفتگوی است
خوش بود اکنون بتماشا رویم
خانه گذاریم وبصحرا رویم
تازه کند باد بهاری روان
تازه تر از تازه شود جسم وجان

امیر اسماعیل سامانی
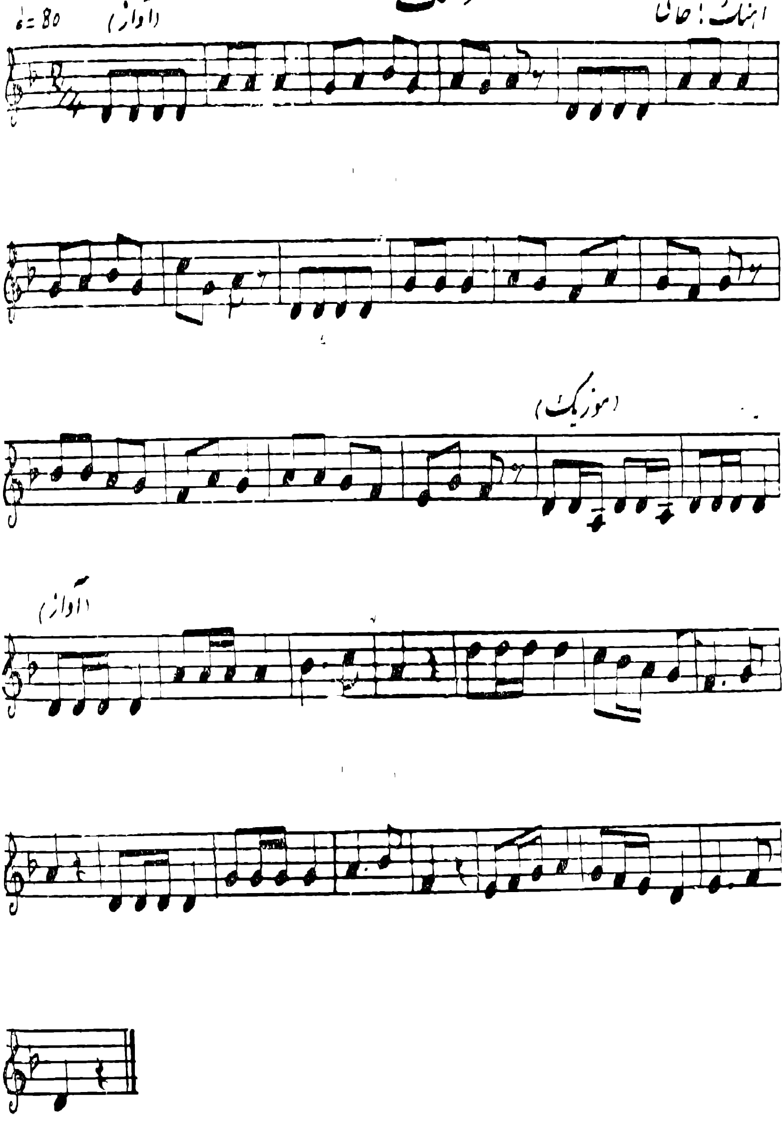
یکی از پادشاهان معروف ایران امیر اسمعیل سامانی است .

امیر اسمعیل برای اینکه بر وسعت کشور خود بیفزاید با پادشاه سیستان جنگید و او را اسیر کرد پادشاه سیستان کلید گنجهای خود را نزد امیر اسماعیل فرستاد که شاید او را از زندان آزاد کند امیر اسمعیل گفت پادشاه سیستان پیش از پادشاه شدن سرمایه یی نداشت و پس از آنکه بپادشاهی رسید بجای انصاف ظلم وستم پیش گرفت و این گنجها را فراهم آورد این گنجها همه مال مردم است و من آنها را نمی پذیرم .

پرسش ـ امیر اسماعیل سامانی که بود ؟ ـ امیر اسمعیل چرا با پادشاه سیستان جنگ کرد ؟ ـ پس از اسیر شدن چرا پادشاه سیستان کلید گنجهای خود را نزد امیراسمعیل فرستاد ؟ ـ امیر اسمعیل باو چه گفت ؟ ـ پادشاه سیستان بمردم چه ستمی کرده بود ؟ ـ امیر اسمعیل چرا گنجهای اورا قبول نکرد ؟

دشت

آهنگ: خالقی



رامحکم درآن پیچید آتش چون هوا بآن نرسید خاموش شد و ماهرو از سوختن نجات یافت .

۱ -**پرسش** - چه طور شد لباس ماهرو آتش گرفت ؟ - چرا هوشنك ازاطاق بیرون دوید ؟ - فرامرز چه کرد ؟ - نتیجهٔ کار فرامرز چه بود ؟

۲ - **تجربه کنید** - کاسه یی را روی مقداری آتش سرخ سرنگون کنید وبعد از چند دقیقه بردارید وآتش را ببینید چه شده است ؟

۳- در روی شکل صفحهٔ پیش هرچه می بینید بگویید .

٤ - **تکلیف** - ازروی این سرمشق چند بار بنویسید :

چون هوا بآتش نرسد خاموش میشود

نقاشی - ازروی این شکلها بکشید - ازدست راست شروع کنید .





خود را گم نکنید

ماهرو و هوشنگ و فرامرز با هم در اطاق نزدیك بخاری بازی میکردند بخاری با هیزم می سوخت و شعلهٔ آتش بهوا بلند بود ماهرو خیلی نزدیك آتش رفت و رختش آتش گرفت هوشنگ ازترس فریادی زد و ازاطاق بیرون دوید اما فرامرز دست و پای خود را گم‌نکرد وفورا رومیزی را برداشت وخواهرش

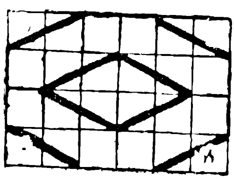
چه کنی دو ساعت بعد گرسنه می‌شوی.

پرسش- پیشخدمت چرا کفشهای آقا را واکس نزده بود - برای پاك نکردن کفشها چه بهانه و عذر آورد ؟ - آقا چه طور او را تنبیه کرد ؟ - نتیجهٔ این حکایت چیست ؟

تنبلی چگونه صفتی است ؟ - چرا ؟ - چه کسی را تنبل میگویند ؟ - آیا خوبست دانش آموز تنبل باشد؟ - چرا ؟ - دانش آموزی راکه تنبل است چه طور جریمه میکنند ؟ - دانش آموزی را که ساعی است چگونه تشویق میکنند ؟

حاضر جوابی یعنی چه ؟ - آقا حاضرجواب بود یا پیشخدمت یا هردو ؟

رسم - مطابق این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید.



عید نوروز

عید نوروز و اول سال است

روز عیش و نشاط اطفال است

همه امروز رخت نو پوشند

چای و شربت بخوشدلی نوشند

حاضرجوابی

آقایی پیشخدمتی داشت که خیلی تنبل بود روزی باو گفت : یوسف کفشهای مرا بیاور یوسف کفشها را آورد اما کثیف و واکس نخورده بود .

آقا گفت : امروز فراموش کرده یی کفشها را پاك بکنی .

آقا امروز خیابانها پر از گل است و تا بیرون رفتید کفشهای شما دوباره کثیف میشود

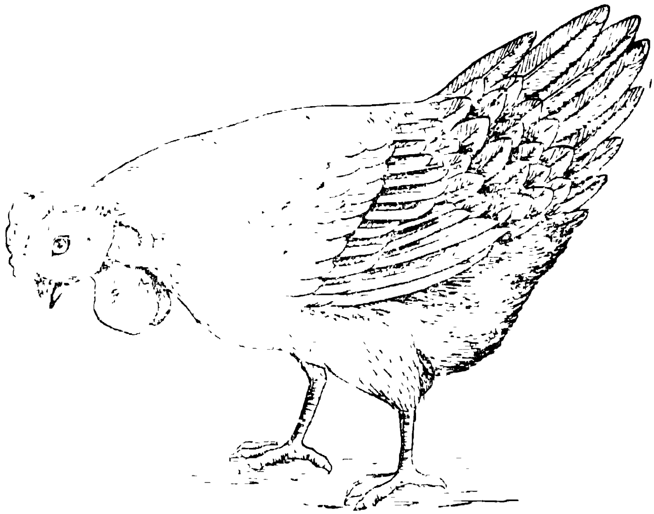
آقا خندید و هیچ نگفت اما هنگامی که از در خارج میشد یوسف گفت :

ـ آقا ، آقا کلید

ـ کلید میخواهی ؟

ـ بلی کلید گنجه برای صبحانه خوردن.

ـ برای صبحانه خوردن ؟ می خواهی



پرنده های خانگی

مرغ خانگی - مرغ خانگی را که از نزدیک نگاه کنیم می بینیم بدنش را پرهای نرم و کوتاه گرفته اما پرهای بال و دمش قدری بلند تر است سرش نسبت بیدنش کوچك است وروی آن را پوستی قرمز رنگ مانند تاج گرفته است نوك مرغ کوتاه و سخت است و مرغ با آن ازروی زمین دانه برمی چیند مرغ دندان ندارد و دانه هارا درست فرو میبرد مرغ دو پا

پسر خوب روز عیـد اندر
رود اول بخدمت مـادر
دست بر گردنش کند چون طوق
سر و دستش ببوسد از سر شوق
گوید این عید تو مبارك باد
صد چنین سال نو ببینی شاد
بعد آیـد بدستبوس پدر
بوسه بخشد پدر بروی پسر
پسر بد چو روز عید شود
موقع دیـد و بازدیـد شود
نه پدر دوست داردش نه عمو
نـه کسی عیـدی آورد بـر او
عیدی آن روز حق آن پسر است
که نجیب و شریف و باهنر است

ایرج

عیدی آن روز حق آن پسر است که نجیب و شریف و باهنر است

خروس بنای فریاد می گذارد ومرغهارا خبردار می کند که فراربکنند یا درمرغدان پنهان بشوند

تخم گذاشتن مرغ - مرغ در سالی چند ماه تخم می گذارد وبیشتر روزی یك تخم می کند یك مرغ خوب و خوش جنس در مدت سال صد تا صد وپنجاه تخم میدهد .

٭ ٭ ٭

جوجه آوردن - مرغ در فصل بهار میل می کند که جوجه بیاورد و بقول خانه داران کُرك میشود در این وقت ده پانزده تخم تازهٔ بی‌عیب درلانهٔ مرغ میگذارند و مرغ سه‌هفته روی آنها میخوابد و آنها را بگرمی بدنش گرم نگاه میدارد پس از سه هفته جوجه ها تخمهارا می‌شکنند وبیرون می‌آیند مرغ ازجوجه های خود تازمانی‌که بزرگ نشده‌اند با کمال محبت و مهربانی پرستاری و مراقبت می کند .

دارد هر پای آن چهار انگشت دارد سه‌انگشت در جلو و یکی در عقب مرغ با انگشتها یا پنجهٔ خود میتواند خوب روی چوب و ریسمان باریك بنشیند و چوب یا ریسمان را درمیان انگشتانش محکم نگاه بدارد .

۞ ۞ ۞

مرغ و خروس در خانه ها مرغ و خروس در نهایت دوستی با هم زندگی می کنند هرچه صاحب خانه بآنها بدهد با هم میخورند و خودشان هم از روی زمین دانه ها و کرمها و حشرات‌را جمع می کنند ومی خورند خروس هر کجا چیز خوردنی پیدا کند همانجا می ایستد و بنای قدقد می گذارد وباین ترتیب مرغها را صدا می زند مرغها بصدای او میدوند و همه از آن خوردنی می خورند و خروس همچنان می ایستند وتماشا می کند هروقت دشمنی از از قبیل سگ یا گربه یا مرغ شکاری پیدا شود

بوقلمون پر و بال سیاه رنگ و گوشت لذیذ دارد بوقلمون میتواند پر های دم خودرا مانند چتر از هم باز بکند.

۱ — **پرسش** — نوك مرغ چه شکل دارد ؟ - آیا نوك مرغ سفت است یا نرم ؟ - آیا تمام پر های مرغ مثل هم است ؟ - پای مرغ چند انگشت دارد ؟ - انگشتهایش چه طریق قرار گرفته است ؟ - بچه جهت مرغ میتواند روی چوب یا ریسمان باریك بنشیند ؟ - مرغ و خروس چه میخورند ؟ - مرغ چه وقت تخم میدهد ؟ - مرغ که کرك میشود چه می کند؟ - روستاییان چه نوع پرندگان را در خانه‌های خود نگاه میدارند ؟ - پای مرغابی وغاز چه شکل است و فایده‌اش چیست ؟ - مرغ و مرغابی را بادقت نگاه کنید و صفاتی را که در درس گفته شده در آنها پیدا کنید.

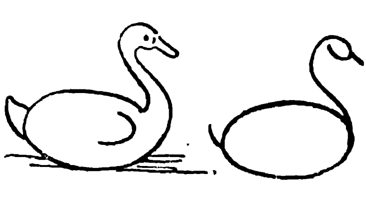
۲- **پرسش کتبی -** از یك مرغ چه فایده‌هایی میتوان بدست آورد ؟ -

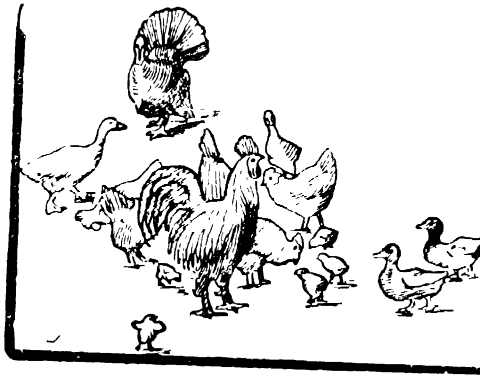
۲- مرغ و خروس را خوب بدقت نگاه کنید و فرق میان آنها را (از حیث سر و دم و پا و پر و رنك) بنویسید.

۳- **تکلیف -** از روی این سر مشق چند بار بنویسید :

مرغ از جوجه های خود با کمال محبت و مهربانی پرستاری می کند

نقاشی از روی این شکلها بکشید :





سایر پرندگان خانگی - روستاییان در منزلهای خود گذشته از مرغ و خروس مرغابی وغاز و بوقلمون هم نگاه می دارند.

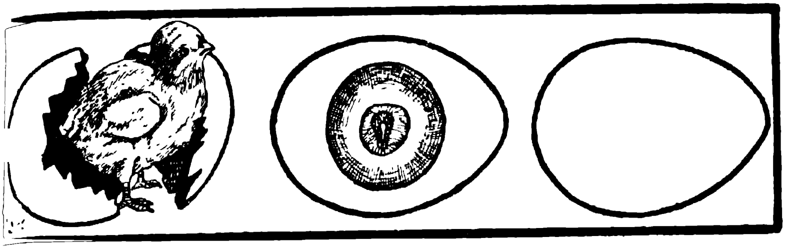
اردك پاهای کوتاه دارد وسنگین راه میرود پنجهٔاردك بوسیلهٔ پردهیی سرخرنگ بهمچسبیده و شبیه پاروست وبا این پنجه است که اردك میتواند درآب شنا بکند مرغابی نوك پهن دارد و با آن کرمها وجانوران کوچك آبی را از لای لجن بیرون میآورد و می خورد.

غاز در هرچیز شبیه بمرغابی است اما از مرغابی بزرگتر است.

سفیده و زرده قرار دارد سفیده مایعی غلیظ و چسبناك و بیرنگ است زرده که رنگش زرد است در وسط سفیده است وروی آن لکهٔ سفید کوچکی است که آنرا نطفه‌می گویند وجوجه از نطفه بعمل می آید وقتیکه مرغ روی تخم میخوابد پس از سه هفته‌جوجه از تخم بیرون میآید ٠

تخم سفت ــ تخم را اگر ده دقیقه در آب بجوشانیم خوب میپزد و اگر پوست آنرا برداریم سفیده‌اش را می بینیم که سفت و واقعاً سفید شده است و اگر سفیده را باچاقو از وسط ببریم زرده را دروسط آن گرد و مانند گلوله می‌بینیم ٠

غذای تخم مرغ ــ تخم مرغ غذایی مقوی و مفید است و آنرا بچندین شکل میپزند آسانتر از همه آب پز کردن است که تخم را



تخم مرغ

اسباب کار: تخم مرغ- تخم مرغ خام تازه و کهنه- تخم مرغ پخته و سفت - نعلبکی - چاقو- قاشق .

پرسش پیش از درس - تخم مرغ که دیده است ؟ - آیا تخم سایر پرندگانرا هم دیده اید ؟ - فرق آنها با تخم مرغ در شکل و رنگ و اندازه چیست ؟ - آیا تخم مرغ را دوست میدارید؟ - بچه طریق دوست میدارید آنرا بخورید ؟

تخم مرغ گرد و دراز است و دوسرش قدری باریك است، آن سررا که باریکیش بیشتر است سر تخم مرغ و آن سر را که قدری پهن است ته تخم مرغ می‌نامند پوست تخم مرغ نازك و زود شکن است و با دست زود خرد میشود رنگ آن سفید یکدست یاسفید مایل بزردی است .

سفیده و زرده - در داخل پوست تخم

نطفه - واقعاً (واقعن تلفظ کنید)- مقوی (قوی- قوّت- قوّه)

۴- **تکلیف**- از روی این سرمشق چند بار بنویسید

تخم مرغ غذائی مقوّی و مفید است

نقاشی- از روی این شکلها بکشید .



کوه و تپه

در خشکی بلندیهای خاکی و سنگی بسیار دیده می شود این بلندیها را اگر کوچك باشد تپه واگر بزرگ باشد کوه مینامند کوههای بلند در تمام سال حتی در تابستان پراز برف است این برف درپاییز و

ده دقیقه در آب بجوشانند تا سفت بشود و اگر کمتر بجوشانند نیم بند میشود تخم مرغ را اگر در روغن داغ بشکنند و اندکی بپزند نیمرو می شود و اگر سفیده و زرده را بهم بزنند و آنگاه در روغن داغ بریزند و بپزند خاگینه می شود .

۱ — **پرسش** - شکل تخم مرغ را بکشید - آیا دو سرش مثل هم است ؟ - قسمتهای مختلف تخم را از طرف بیرون بترتیب بشمرید . سفیدهٔ تخم چه رنگ است ؟ - زرده چه طور ؟ - سفیده چه وقت واقعاً سفید می شود ؟ - سفیدهٔ نپخته را باقاشق می توان برداشت ؟ - سفیدهٔ تخم آبکی است یاغلیظ ؟ - نطفه چیست ودر کجای تخم مرغ است ؟ - ازتخم مرغ چه غذاها درست میکنند ؟

تجربه کنید :

(۱) یك تخم تازه و یك تخم کهنه راازآن سری که پهن است بشکنید و ببینید با هم چه فرقی دارند ؟

(۲) یك تخم تازه و یك تخم کهنه را در آب بیندازید ببینید کدام ته طرف میرود — از این کار چه نتیجه میگیرید ؟

(۳) یك تخم کهنه را از آن سری که پهن است بشکنید قدری از پوست سخت رو را با احتیاط بردارید و سرازیر کنید چرا سفیده و زرده بیرون نمیریزد ؟

۲- **املا** - لغات زیر را چند بار بنویسید و املا ی آنها را یاد بگیرید

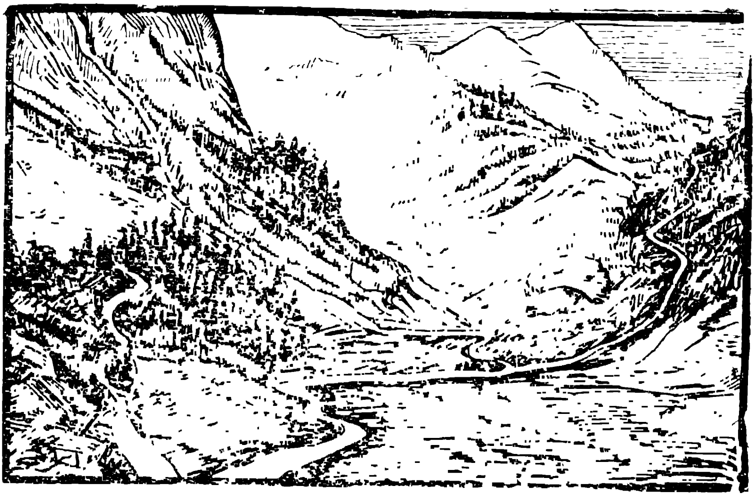
سفید یکدست - سفیده وزرده - مایع غلیظ - چینه ای (همیشه سـ هم)

و کوه دماوند یکی از آنها است اما خاموش است کوه آتش فشان از دور بشکل کلهٔ



قند دیده میشود اگر خاموش نباشد از دهانهٔ آن آتش و دود و خاکستر بیرون می آید مواد آتش فشانی چندین متر در هوا جستن می کند و باطراف کوه میریزد و بدین سبب زندگی در اطراف کوه آتش فشان خطرناك است .

۱ – **پرسش** - کوه کدام است و تپه کدام ؟ـ در سر کوههای بلند چه می بینید ؟ ـ برفی که در کوهستان میبارد چه میشود ؟ـ هوای کوهستان چگونه است ؟ـ کوه آتش فشان چیست ؟ـ چرا زندگی در اطراف کوه آتش فشان



زمستان میبارد و در بهار و تابستان بیشترش آب می شود و بشکل چشمه و جوی و نهر از کوهها سرازیر میشود و بجلگه ها میرود قسمتی از آب کوهها هم بزمین فرو میرود و مردم آنها را با کندن قنات بزمینهای زراعتی یا بشهر می آورند و بمصرف زراعت و یا ریخت و پاش میرسانند .

هوا در کوهستانها بسیار لطیف و تنفس آن مایهٔ تندرستی ونشاط است .

در زمین کوه آتش فشان هم هست

شاخ و برگهای درختها بشدت حرکت می کرد در و پنجره های خانه ها و مغازه ها سخت بهم میخورد و گاهی هم صدای شکستن وخردشدن شیشه ها بگوش میرسید راهگذر ها دو دستی بکلاه‌خود چسبیده بودند که بادآنرا نبرد باوجود این چندین کلاه را باد برد و صاحبان آنها دنبال آنها میدویدند روزبعد شنیدیم که دربیرون شهر باد بعضی درختها را از ریشه کنده و چندین شیروانی را هم ازجا بلند کرده است .

خوشبختانه باد همیشه باین تندی نمی‌وزد وقتیکه باد ملایم میوزد هوا خنك میشود بادی که ازروی دریا می‌آید ابر میآورد وابرهم باران می‌آورد روز بادی رختهای شسته زودتر خشك می شود آسیاها و کشتیهای بادی را باد بحرکت می‌آورد .

باد چیست ؟ـ باد ازحرکت هوا پیدا می‌شود

خطرناك است ؟

در نزدیکی شهر یا ده شما کوه هست ؟ـ نامش چیست ؟ـ در کدام سمت قرار دارد ؟ـ چندجوی و قنات از آن جاری است و آبش بچه مصرف میرسد ؟

۳ ـ **گردش علمی** ـ مشاهدهٔ کوه و تپه از دور یا نزدیک (تصویرها و شکلهای مربوط بکوهستانها و کوهها و تپه های خشك و سبز و درّه های با صفا نشان داده شود و از هرقسمت آن سؤالات مناسب طرح شود .)

درحیاط دبستان باخاك یاگل کوه کوچکی درست کنند ودر روی آن دره ها را نمایش دهید .

٤ ـ **تکلیف** ـ از روی این سرمشق چند بار بنویسید .

هوا درکوهستانها بسیار لطیف وتنفس آن مایهٔ تندرستی ونشاط است

باد

قبلا مشاهده کنید ، دود در هوای آرام چگونه بلند می شود و در باد چگونه ؟ـ شاخ و برگ درختان درچگونه هوا حرکت میکند ؟ـ از باغها وجنگلها در وقتیکه باد میوزد چگونه صدا و در هوای آرام چگونه صدا میشنوید ؟ـ پارچهٔ پرچم درهوای آرام چه حالت دارد ودر باد چه حالت ؟

روز بادی ـ چند روز پیش هنگامی که از دبستان بخانه بر می گشتیم باد سختی بنای وزیدن گذاشت گرد و خاك هوارا چنان تاریك کرد که یکدیگر را درست نمیدیدیم

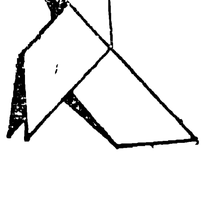
۱ – **پرسش** موقعی که باد می وزد چه میشنوید ؟ – چه می بینید ؟ – دود از بخاری بلند شده است ودرهوا بطرف جنوب میرود بگوئید باد از کدام طرف می آید ؟ – دود بطرف شمال میرود باد از کدام سمت می آید؟ – دود بطرف خاور میرود بادار کدام طرف میورد ؟ – اگر باد ازسمت خاور بیاید دود بکدام طرف میرود ؟ – بادچیست ؟ – آیا میتوانید هوارا بجریان بیندازید ؟ – چه طور ؟ – بادبزن چیست ؟ – باد بادك چرا بهوا میرود ؟

چراموقع رنگ بفریج درها و پنجره های کلاس را باز می کنند ؟ – باد چه فوائد و چه ضرر ها دارد ؟

۲ – **تکلیف** – ازروی این سرمشق چند بار بنویسید .

باد ازحرکت هوا پیدا میشود وهر قدر این حرکت تندتر باشد باد سخت تراست

نقاشی – از روی این شکل با ستاره بکشید .



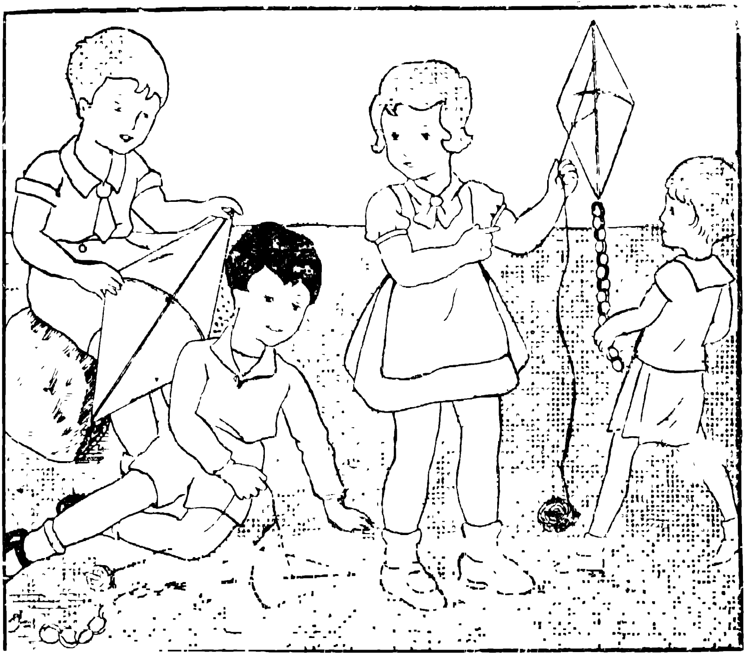
و هرقدر این حرکت تند تر باشد باد هم سخت تر است پس باد هوای متحرك یا جریان هوا است .

جریان دادن هوا — ماهم میتوانیم هوا را جریان بدهیم تا باد پیدا شود وقتیکه بشعلهٔ چراغ فوت می کنیم بزور نفس ما هوا بحرکت می آید و بادی که از آن پیدا می شود شعله را خاموش می کند با بادبزن و کتابچه و مانند آن هوا را بجریان می‌آوریم و خود را باد میزنیم اگر در های اطاق را که رو بروی هم است باز کنیم باداز یك طرف می آید وازطرف دیگر میرود ومیگوییم در اطاق جریان هوا پیدا شده است جریان هوا کاغذهای مارا باین طرف وآن طرف میبرد و اگر بشمع روشنی برسد شعلهٔ شمع خم میشود و گاهی هم خاموش می شود از خم شدن شعله میتوان فهمید که باد از کدام سمت می آید .

بادبادك درست كنيد

نخست کاغذ زرورقی را بشکل چهار گوش می بریم از دو جگن هم که حاضر داریم یکی را روی قطر مربع میگذاریم و با نوار کاغذی چسب دار بروی کاغذ زرورق می چسبانیم ودیگری را که قدری بلند تراست چنان قرار می دهیم که دو سرش بر گوشه های چپ و راست چهار گوش باشد و با کاغذ می چسبانیم آنگاه محل برخورد دوجگن را با نخی که یك سرش بروسط جگن اول بسته است می بندیم و از میان آنرا گره میزنیم و دنباله بلندی هم بآن می بندیم آخر کار نخی بآن می بندیم و موقعی که باد ملایم می وزد بادبادك را هوا میکنیم .

۱ - **پرسش** - شما باد بادك خودتان را چگونه درست کرده‌اید ؟- لوازم آنرا از کجا خریدید ؟ - برای هریك چقدر پول دادید ؟ - روی



بهوا کردن بادبادك

بیشتر اسمی باین بچه ها بدهیم مثلا از سمت چپ بگوئیم
هرمز - بیژن - ماهرو - منو .

خوب باین شکل نگاه کنید و جواب هر یك از سؤالات مرا بدهید:

۱ – کدام یك ازاین بچه ها میخواهد باد بادك را بهوا کند؟ (جای اورا در روی شکل معین کنید مثلا بگوئید دست راست دست چپ . . . .)

۲ـ دختری که پس بند بسته است نامش چیست و چه میکند؟

۳ـ آیا همه بچه ها ایستاده اند؟



جوی و رودخانه و چشمه

آبهای شیرین

آب سرچشمهٔ زندگی است حیوان و انسان بآب زنده اند و اگر آب نباشد از تشنگی میمیرند درخت و گیاه هم بی آب نمی روید .

مدد آب از برف و باران است و اگر بارندگی نشود آب چشمه ها و جویها و رودخانه ها و کاریزها خشک میشود .

هم رفته باد بادك شما چند تمام شد ؟ ـ باچه چیز ها باد بادك را درست کنیم که خیلی ارزان تمام شود ؟ ـ با چه چیز ها بسازیم که با دوام و محکم باشد ؟ ـ شکل باد بادك خود را روی تخته سیاه و یا روی کاغذ بکشید ؟ . حالا هم باد بادك بازی میکنید یا نه ؟ ـ چرا ؟ ـ چه بازیهای دیگر میدانید ؟ ـ طرز ساختن باد بادك را بگوئید

۲ـ حکایتی کوچك در باب شکل صفحهٔ ۱۳۴ بترتیب زیر بنویسید .

الف در چه موقع سال است ؟

ب ـ هوا آرام است یا باد میاید ؟

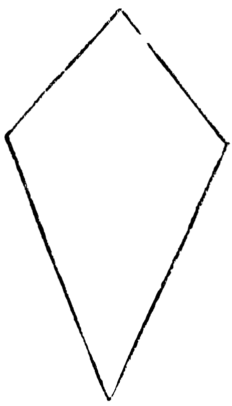
ج ـ عدهٔ بچه ها چند تا است (چند پسر وچند دختر) ؟

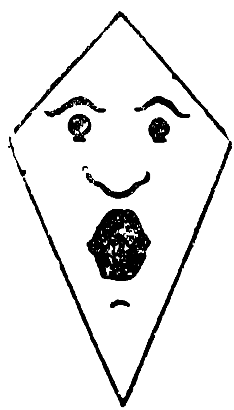
د ـ کار هر یك کدام است ؟

۳ ـ **تکلیف** — از روی این سرمشق چندبار بنویسید

موقعی که باد ملایم میوزد باد بادك را هوائی کنیم

کار دستی و نقاشی ـ اگر باد بادك را مانند شکل دست چپ درست کنید احتیاج بدنباله ندارد . ۲ـ ازروی شکل دست راست روی بادبادك خود بکشید .





بعمل می آورند و آب رود خانه را برای آبیاری کشتزارها بجا های دور میبرند .

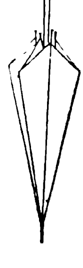
۱- **پرسش** آب برای چه لازم است ؟ - جریان آب در کوهها چگونه است ؟- جوی در کوهستان چگونه تشکیل میشود ؟- میدانید رودخانه چگونه تشکیل می‌شود ؟ - مردم جلگه‌ار رودخانه چه‌فایده‌هامیبرند ؟- آب خوردنشان را ار کجا برمیدارند ؟
چرا آب رود خانه در کوه تند حرکت میکند ؟ - از جانور و گیاه و سنگ کدام یك برای زندگی آب لازم دارد ؟

۲ - **گردش علمی** - ملاحظهٔ جویها وقنانها وچاههای آب ورودخانه های محلی - ملاحظهٔ استخر ها و برکه هاو استفاده هائی که از آنهامیشود .

۳- **تکلیف** - ار روی این سرمشق چند بار بنویسید .

جویها رفته رفته بهم می رسند و از پیوستن آنها رود خانه درست میشود

نقاشی - از روی این شکل بکشید :

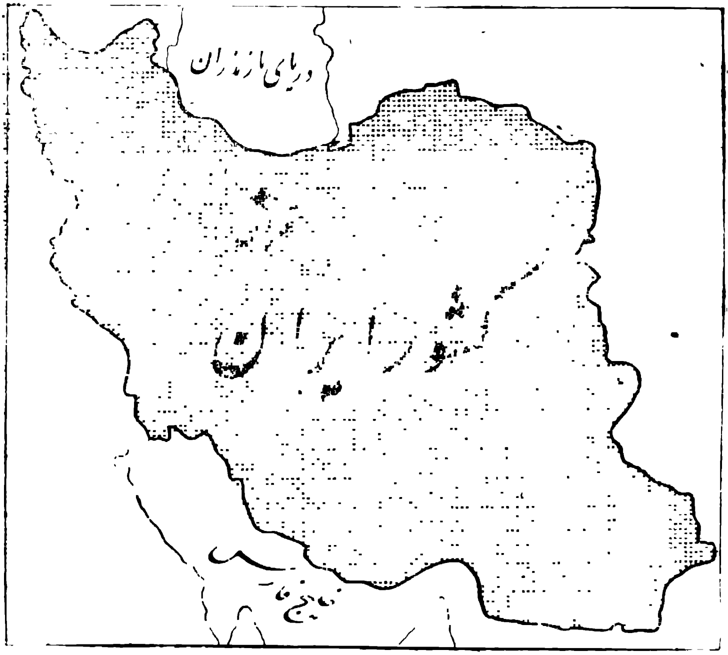


برف و باران در کوهستانها فراوان میبارد و آب آن یك قسمتش بزمین فرو میرود و یك قسمتش روی زمین روان می شود آب که فرو میرود در زیر زمین جمع میشود بعد از بعضی جاها بشکل چشمه بیرون میآید در بعضی جاها هم چاه و کاریز میکنند تا بآن آب برسند آبی که بزمین فرو نمیرود بشکل جویهای متعدد از کوهها سرازیر و بر زمین جاری میشود جویها رفته رفته بهم میرسند و از پیوستن آنها رود خانه درست می شود آب رودخانه در کوهها تند حرکت میکند وسنگهای بزرك را از جا می کنند و با خود بطرف زمینهای صاف یاجلگه میبرد و همینکه بجلگه رسید آرام حرکت میکند

مردمان جلگه نشین در کناره های رود خانه سبزه زار ها و درختان بسیار

دوست داریم ایران را هم دوست داریم پدران ماهم ایران را دوست میداشتند و در آبادی آن زحمت بسیار کشیده اند و شهر و دهکده ها که ما باآسودگی در آنها زندگی می کنیم ساختهٔ آنها است ده نشینان ایران همه کار می کنند و مانند پدران خود در آبادی کشور میکوشند گروهی زمین را زراعت میکنند یکی گندم و جو میکارد دیگری برنج تهیه می کند گروه دیگر گاو و گوسفند پرورش می دهند زنان ده نشین از شیر گاو و گوسفند ماست و پنیر و کره وروغن درست میکنند و مردانشان آنها را بشهر میبرند و میفروشند و در عوض پارچه و کفش و کلاه وقند و چای و چیزهای لازم دیگر میخرند .

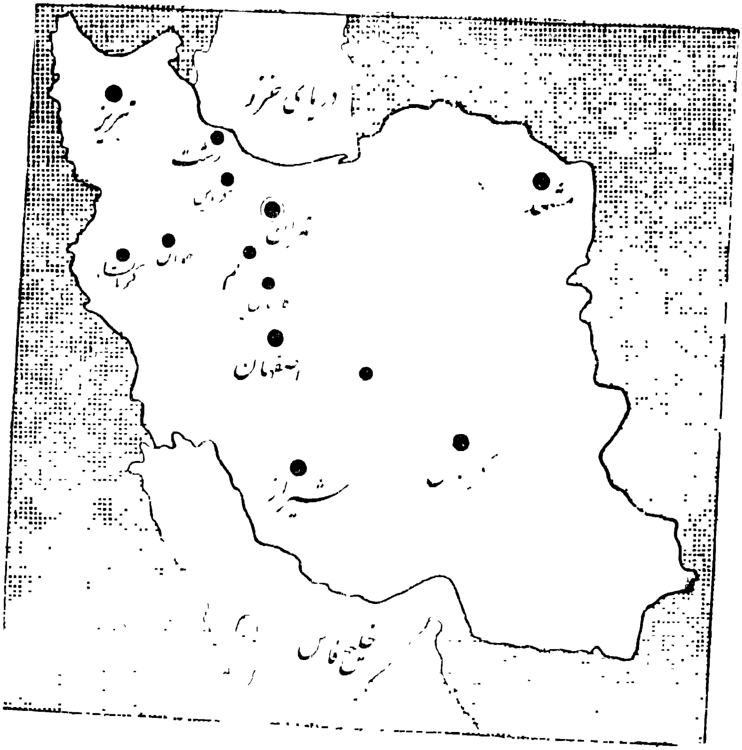
پرسش شما در کدام شهر یادهکده زندگی می کنید ؟ - آیاشهر یا دهکدهٔ خودرا دوست میدارید ؟ - خانهٔ بزرگ یامیهن ما کجااست ؟ - پدران



کشور ایران

کشور ما ایران جلگه ها و صحراها و کوهستانها و شهر ها و دهکده های آباد و پر جمعیت دارد مردمی که در این شهر ها و دهکده ها زندگی میکنند مانند ما ایرانیند ایران خانهٔ بزرك و وطن همه ما است.

ما همچنانکه شهر یا دهکدهٔ خود را



شهرهای ایران

در نقشهٔ بالا نام شهر های ایران نوشته شده است طهران بزرگترین شهر ها و مشهد و تبریز و اصفهان و کرمان و شیراز از شهرهای بزرك ایرانند .

درمشهد وتبریز میوه فراوان بعمل میآید

ما برای آبادی ایران چه کار کرده‌اند ؟ـ ده نشینان ایران چه می کنند ؟ـ مردمان شهرچه میکنند ؟ـ پارچه را از کی میخرند ؟ ـ قند و چای را از کی میخرند ؟ ـ آیا یک نفر میتواند همه نیازمندیهای خود را (از کفش و کلاه و لباس و خوراک و منزل) تهیه کند ؟ (۱)

۲ ـ **املا** ـ این کلمات را چند بار بنویسید و املای آنها را یاد بگیرید:

همچنانکه (سرهم) ـ آسوده (آسودگی) ـ زنده (زندگی) ـ همه (همگی)

۳ـ **تکلیف** ـ ازروی این سرمشق چند بار بنویسید:

کشور ما ایران جنگلها و صحراها و کوهستانها و شهرهای پرجمعیت دارد

نقشه کشی ـ نقشهٔ کشور ایران را مطابق نقشهٔ صفحه ۱۴۰ بکشید

۱ ـ دریای مازندران وخلیج فارس را آبی رنگ بزنید .

۲ ـ کشور ایران را با رنگ زرد

۳ ـ وقسمتهای دیگر را باقرمز رنگ آمیزی کنید .

---

(۱) راجع بتقسیم کار ولزوم وفایدهٔ همکاری مردم بایکدیگر گفتگو شود .

خوب دارد دراین شهر از چوب قاشق و دستهٔ کارد و چیز های دیگر میسازند در رشت بارندگی بسیار میشود از این شهر برنج وماهی فراوان بسایرشهر ها می برند هوای قم و کاشان و یزد در تابستان بسیار گرم است در قم انار خوب بعمل میآید در کاشان و یزد قالیهای ابریشمی بسیار عالی می بافند .

۱ — **پرسش** — بنقشهٔ صفحهٔ ۱۴۳ توجه کنید و بگویید شهر مشهد در کدام طرف ایران است ؟ ـ شهر کرمان در کدام طرف است ؟ (بهمین نحو از سایر شهرهای مهم سوال شود) . تبریز در شمال ایران قرار دارد دیگر چه شهرها درشمال ایران قرار دارد ؟ ـ اصفهان در مرکز ایران قرار دارد ؟ ـ دیگر چه شهرها در مرکز ایران قرار دارد ؟ (بهمین نحو راجع بسایر شهرها پرسش شود) . از رشت چه چیز های خوردنی بسایرشهرها میبرند ؟ ـ در قم کدام میوه بهتر بعمل میآید ؟ ـ در شهر شما چه میوه‌ها بعمل میآید ؟

۲ — **تکلیف** — از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

تهران بزرگترین شهرها و مشهد و تبریز و اصفهان و کرمان و شیراز از شهرهای بزرگ ایرانند

و سیب و هلو و بادام و انگور آنجا بخوبی معروف است در اصفهان کارخانه های بزرگ پارچه‌بافی هست و در آنجا پارچه های لباس و پرده‌های قلمکار میبافند در کرمان قالیهای خوب می بافند واز آن شهر زیره و حنا بشهر های دیگر می برند هوای شیراز بسیار لطیف است این شهر باغهای با صفا و گردشگاههای بسیار دارد .

در نقشه نام شهر های دیگرهم نوشته شده است مانند همدان و کرمانشاه و قزوین و رشت و قم و کاشان و یزد و غیره

زمستان همدان بسیار سرداست اما دربهار تمام اطراف شهر سبز وخرم است در همدان چرم خوب ومحکم درست می کنند روغن کرمانشاه بخوبی و فراوانی معروف است در این شهر کارخانهٔ نفت هم هست قزوین انگور بسیار

باصفا و دهکده‌های زیبای دامنهٔ البرز میروند .

طهران پایتخت ایران است[۱] این شهر میدانها و خیابانهای بزرگ و خانه ها و مغازه های زیبا دارد یکی از میدانهای این شهر میدان سپه است میدان سپه در وسط شهر است از این میدان شش خیابان بزرگ باطراف کشیده‌اند دو خیابان بطرف شمال دو خیابان بطرف جنوب و یکی بطرف خاور و یکی بطرف باختر شهر میرود هنرستان دختران و بانک ملی و موزهٔ ایران باستان و مدرسهٔ سپهسالار و مجلس شورای ملی و عمارت شهرداری و کاخ گلستان و ایستگاه راه آهن و کاخ دادگستری از ساختمانهای بزرگ و عالی طهران است .

دراین شهر برای پارچه بافی وشیشه سازی وبعمل آوردن چرم وسیمان کارخانه‌های بزرگ

---

(۱) در بارهٔ پایتخت توضیحات ساده در خور فهم دانش آموزان داده شود ازاین قبیل که پادشاه ووزیران درپایتخت هستند ومانند آن .



شهر طهران

طهران در شمال ایران است کوه البرز در شمال شهر طهران قرار دارد این کوه در سراسر زمستان پر از برف است و در بهار و تابستان دامنه‌اش سبز و خرم است و جویبار ها و رود خانه های بسیار از آن بطرف طهران جاری است هوای طهران در تابستان گرم **میشود ومردم برای هواخوری و گردش بباغهای**

هوش پادشاه

کریم خان زند از پادشاهان با انصاف ایران وبسیار باهوش وزیرك بوده است روزی کسی نزد او آمد و گفت من کور بودم وبگور پدر تو پناه بردم ودعا کردم خدا بآبروی پدر تومرا بینا کرد کریم خان گفت پدرمن مردی راهزن بود و تو برای خوش آمد من برای او معجزه میتراشی برمن واجب است تورا تنبیه کنم تادیگر دروغ و تملق نگویی .

۱ — **پرسش** - کریم خان زند چگونه پادشاهی بوده است ؟ - شخصی که نزد او آمد چه گفت ؟ - کریم خان چه جواب داد ؟ - کریم خان چرا گفت : « برمن واجب است ترا تنبیه کنم ؟ »

راهزن یعنی چه ؟ - دروغ گفتن چیست ؟ - تملق گفتن چیست ؟ - آدم بچه کسی تملق میگوید ؟ - آیا تملق گفتن خوبست ؟

۲ــ **املا** - این لغات را چند بار بنویسید و املای آنها را یاد بگیرید:

باهوش - معجزه - تنبیه - دروغ - دروغگو - تملق

۳ــ **تکلیف** ــ از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

کریم خان زند از پادشاهان با انصاف ایران بوده است

برپا کرده اند .

در دهکده های جنوبی این شهر گندم و جو و میوه و سبزی فراوان بدست می آید .

پرسش ــ بنقشهٔ ایران نگاه کنند و بگویید : شهر شما در کدام طرف ایران قرار دارد ــ آیا دراطراف آن کوه هست ؟ ــ در کدام سمت ؟ ــ آیا در نزدیکی آن رود خانه هست ؟ ــ در کدام سمت ؟ ــ آیا زمستان شهر شما خیلی سرد است ؟ ــ در گرمای تابستان مردم چه میکنند ؟ ــ بناهای بزرگ شهر خود را نام ببرید ــ در شهر یا دهکدهٔ شما چه چیزها میکارند ؟ ــ در آنجا چه میوه ها بعمل میآید ؟ در شهر یا دهکده شما چه چیز ها میسازند ؟ (۱)

---

(۱) **تذکر** ــ این درس بعنوان نمونهٔ جغرافیای محلی نوشته شده و مقصود از جغرافیای محلی آنست که خصوصیات طبیعی واجتماعی واقتصادی محل بکجا گفته شود بنابراین آموزگار در هر شهر یا دهستان که هست خصوصیات آن شهر یا ده را مطابق نمونه یی که در این درس بدست داده شده برای دانش آموزان تعریف کند مثلا بعضی از شهر های ایران مانند اصفهان واهواز رودخانه های بزرگ و بعضی مانند همدان و کرمانشاهان ومهاباد وتبریز رودخانه های کوچک دارند و آموزگار باید نام رودخانه و اوصاف ومنافع وفواید آنرا مطابق فهم واستعداد کودکان بیان کند وهمچنین دربارهٔ هوای شهر و اختلاف تابستان وزمستان آن وچگونگی ریزش باران توضیح کافی بدهد چنانکه نواحی کنار دریای خزر ازحیث بارندگی واعتدال هوا بابرد وکاشان و کرمان تفاوت بسیار دارد و آموزگار در هر یك از این شهرها که باشد باید تفاوت هوای آنرا باشهرهای دیگر شرح دهد درتوصیف شهرها ازصنایع و کارخانه ها ودرتعریف دهستانها از کشت و زرع ودامپروری ونوع محصول بیشتر گفتگو کند .

نامها و اصطلاحات جغرافیایی را بطوری که در محاورهٔ مردم معمول است ذکر کند نه بطوری که در کتاب می نویسند . مثلا در تبریز نه های عینلی زینلی را بهمین صورت تلفظ کند وعون بن علی وزین بن علی نگوید

یک بیک می آورند و روی گلیم یا میزی میخوابانند و دست و پایشان را محکم نگاه میدارند تا حرکت نکنند و باقیچی بزرگ پشمهایشان را از بیخ میچینند وآنگاه آنها را رها می کنند حیوان نخست احساس سبکی و خنکی می کند و اندکی میلرزد اما پس از اندکی حرکت خود را سبک می بیند و بنای جست و خیز می گذارد و رفته رفته گرم می شود .

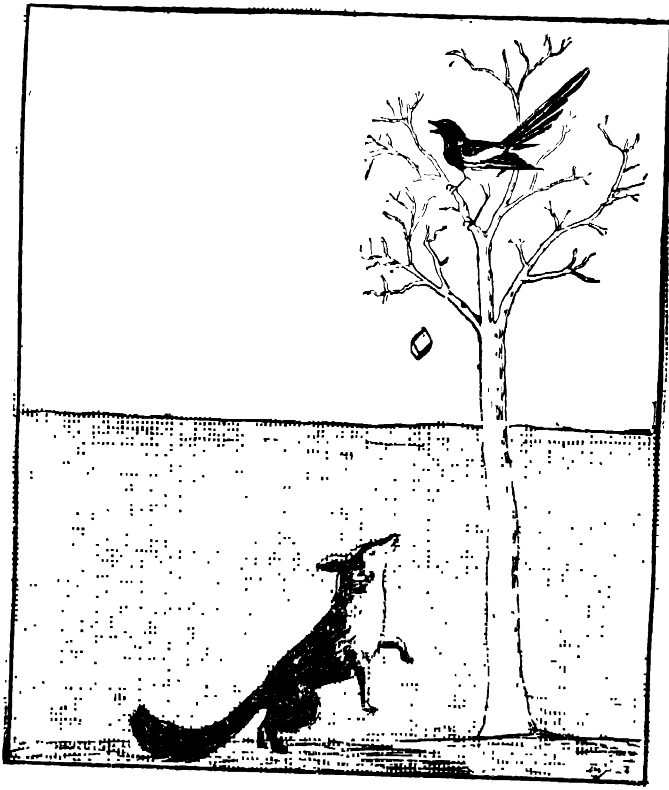
پس از تمام شدن کار پشم چینی پشمها را رسیدگی می کنند و خوب و بد آنرا از هم جدا می کنند و هر دو قسم را در آب و صابون میجوشانند تا چربی و چرکش بخوبی گرفته شود بعد آنها را در هوا خشك می کنند و بار دیگر با شانه های آهنین شانه می زنند تا رشته های پشم از یکدیگر جدا شود پشم



پشم چینی

بیشتر لباسهای پشمی از پشم گوسفند است پشم گوسفند را در اواخر بهار هنگامی که هوا رو بگرمی است می‌چینند .

شبانان گوسفندان خودرا بکنار نهر آبی میبرند و تن آنها را در آب میشویند و با شانهٔ مخصوص پشمشانرا شانه میزنند و آنها را در آفتاب رها میکنند تا تنشان خشك بشود گوسفندان را پس از خشك شدن



روباه و کلاغ

زاغکی قالب پنیری دید

بدهان بر گرفت و زود پرید

بر درختی نشست در راهی

که از آن میگذشت روباهی

در این وقت مانند ابریشم نرم وسبك و برای رشتن آماده است از رشتن پشم نخ پشمی بدست می آید و از آن پارچه های پشمین می بافند .

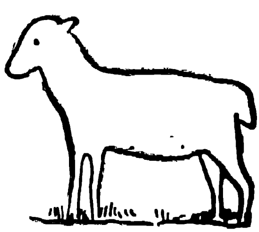
۱- **پرسش** - پشم گوسفندان را چه موقع می‌چینند ؟ - طرز چیدن پشم چیست ؟ - چرا گوسفندها را پیش از پشم چینی میشویند ؟ - پشم را بعد از چیدن چرا میشویند و چرا شانه میزنند ؟ - از گوسفند چه فایده های دیگر میبریم ؟ - از کدام حیوانات دیگر پشم گرفته میشود ؟

۲- **تکلیف** — کارهایی که در پشم چینی میشود یکی یکی بنویسید بدین طریق : پشم را میشویند - پشم را شانه میزنند . . .

۳- از روی این سرمشق چند بار بنویسید :

بیشتر لباسهای پشمی از پشم گوسفند است

نقاشی- از روی این شکل بکشید :



دماوند
۲۰ خرداد ۱۳۲۲

پسرعموجانم

چند روز است که امتحان ما تمام شده و حالا تعطیل داریم تو هم البته امتحانهای خود را داده ای
و کاری نداری برای رفع خستگی خوب است به ده ما بیائی و تابستان را با ما باشی در اینجا به تو
خیلی خوش خواهد گذشت هوا با وجود تابستان خنک و آب فراوان است روزها با هم در دره
و اطراف آن گردش می کنیم و از تماشای رودخانه و دامنه کوه و چشمه سارها و چمنها و باغها
و کشتزارها لذت میبریم از رودخانه ماهی میگیریم و در استخر آب تنی و در رودخانه شنا
می کنیم از درختهای باغ بدست خودمان میوه می چینیم گاهی هم درو کردن گندم و بریدن یونجه
و چیدن میوه و دوشیدن گاو و گوسفندها و بزهای ما را ببینی و هر روز صبح شیر و سرشیر و
عسل و کره و تخم مرغ تازه و ظهرها و شبها غذای ساده و سالم روستائی بخوری و وقتی
که بشهر برمیگردی امیدوارم تندرست و خوشحال باشی

قربانت   هوشنگ

روبه پر فریب حیلت ساز
رفت پای درخت و کرد آواز
گفت: به‌به! چقدر زیبایی!
چه‌سری! چه دمی! عجب پایی!
پر و بالت سیاه رنگ و قشنگ
نیست بالاتر از سیاهی رنگ
گر خوش‌آواز بودی و خوشخوان
نبدی بهتر از تو در مرغان
زاغ میخواست قار قار کند
تا که آوازش آشکار کند
طعمه افتاد چون دهان بگشود
روبهك جست و طعمه را بربود

۱ ـ **قصه گویی** ـ این حکایت را بزبان‌خود برای همکلاسان بگویید .
۲ ـ **تکلیف** ـ از روی این سرمشق چند بار بنویسید

پر و بالت سیاه رنگ و قشنگ   *نیست بالاتر از سیاهی رنگ*

ولوازم زندگی و اسباب بازی و تفریح می بینی که بنظم و ترتیب چیده اند و میتوانی آنها را از پشت شیشه ها تماشا کنی شبها چراغ برق کوچه ها و خیابانها و مغازه ها را مثل روز روشن می کند و مردم هم بعضی در خیابانها گردش میکنند و بعضی بسینماها و کافه ها و تماشاخانه ها میروند یقین دارم که از تماشای این چیزها بتو خیلی خوش میگذرد و وقتی که برای رفتن بدبستان بده برمیگردی امید دارم که از شهر یادگارهای خوبی همراه بیری.

قربانت فریدون

پرسش ۱ ـ مطابق نامهٔ هوشنگ کارهایی را که در ده مردمان کرد بگویید چیزهایی را که میتوان دید بگویید ـ چیزهایی را که بطور فراوان میتوان خورد بگویید.

۲ ـ مطابق نامهٔ فریدون چیزهای دیدنی در شهر کدام است؟ ـ بناها ومغازه های عالی کجا ساخته شده است؟ ـ مسجدها ومدرسه‌های قدیم چه‌طور ساخته شده است؟ ـ رفت و آمد در خیابانها چه طور است؟ ـ چیزهای تماشایی دیگر در شهرها چیست؟
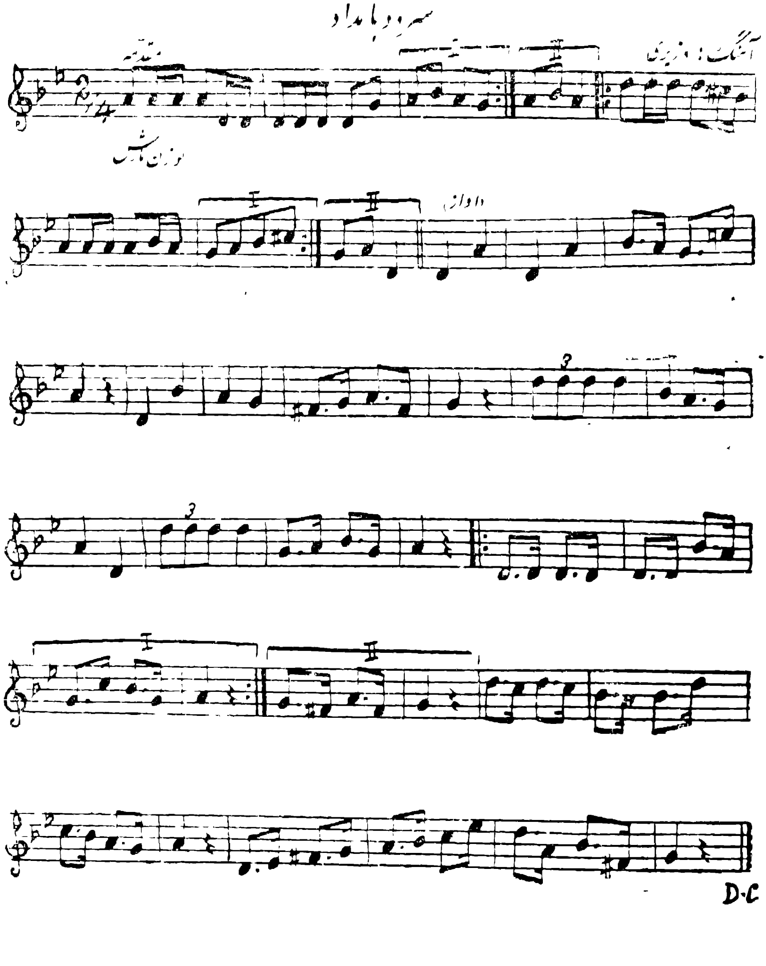
طهران
۲۵ خرداد ۱۳۲۲

پسر عموی عزیزم

خیلی خوشوقتم که مرا بمنزل خودتان درده دعوت کرده‌ای همین دو سه روزه با جازهٔ خانم جان و آقا جانم با کمال میل میآیم و دست عمو جانم را میبوسم اما در عوض تو هم باید قول بدهی که در ماه شهریور بشهر بیائی و تا وقت باز شدن مدرسه ها نزد ما باشی هوای شهر حالا گرم است اما در آن وقت رو بخنکی میگذارد در شهر هم چیزهای دیدنی بسیار است عصرها با هم بگردش میرویم و می‌بینی که شهر چه کوچه ها و خیابانهای پهن و میدانهای باشکوه دارد دو طرف خیابانها و دور تا دور میدانها مغازه ها و دکانها و خانه های عالی و عمارتهای دو طبقه تا پنج طبقه ساخته اند بناهای عالی که در اینجا برای ادارات دولتی و دبستانها و دبیرستانها و کتابخانه ها ساخته اند نظیرش در ده دیده نمی‌شود از همه بهتر بناهای باشکوه مسجدها و مدرسه های قدیم است که از تماشای کاشی کاری و گچ بری و ستونهای سنگی و منارها و گلدسته های زیبا و عالی آن سیر نمی‌شوی جمعیت مردم و درشکه و اتومبیل و اتوبوس و دوچرخه که در خیابانها آمد و شد می‌کنند تماشائی است در مغازه ها انواع خوراکیها و پارچه

در چنین هوای خوب و سبزهٔ پر آب
دیدهٔ گشاده بهتر از دو چشم خواب
خستگی برون رود اگر که صبحدم
با گروه دوستان خود زنی قدم

(گل گلاب)



سرود

بامداد

روی خورشید از فراز کوه
بیرون شد با فرّ و با شکوه
سر برآر از این خواب نوشین
جلوهٔ صبح اندکی ببین
چون وزد نسیم بامداد کوهسار
خوش بود نظر بکوه و دشت و جویبار
هر قدم که برکنار سبزه مینهی
از جنان دهد نسیم صبحت آگهی

✡ ✡ ✡

برخیز اکنون موسم صفا است
گر بر بالش سر نهی خطا است
جان بتن آید در سحرگه
چون گذاری یك قدم بره

شرعیّات

اصول دین و مذهب

اصول دین و مذهب پنج است توحید و نبوّت و معاد و عدل و امامت.

توحید و نبوت و معاد اصول دین همهٔ مسلمانان است و عدل و امامت از اصول مذهب شیعه است.

۱ ـ توحید

توحید این است که خدا را یگانه و بیهمتا بدانیم و بجز او چیزی را نپرستیم زیرا اواست که جهان را بقدرت خود آفریده و ما و دیگر مخلوقات را از نیست بهست آورده است.

۲ ـ نبوت

نبوّت این است که پروردگار برای راهنمایی بندگان پیغمبرانی فرستاده که اول آنها آدم و آخر آنها پیغمبر ما محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله میباشد کتابی که پیغمبر ما از جانب خدا آورده قرآن کریم است که آخرین کتاب آسمانی است اگر خداوند پیغمبران نمیفرستاد مردمان خوب را از بد نشناخته در گمراهی میماندند.

۳ ـ معاد

معاد آن است که خداوند مردگانرا در روز قیامت زنده ساخته نیکوکارانرا ببهشت میبرد و بدکارانرا بدوزخ میفرستد.

اگر معاد نباشد مردمان بپاداش کارهای نیك وبد خویش نمیرسند و این خود از عدل الهی دور است.

خدا

دانا خدای مهربان
اندر زمین و آسمان
هرچیز یا هرگونه کار
باشد بپیشش آشکار
هرکس بگوید حرف زشت
جایش نباشد در بهشت
آهسته گویی یا بلند
داند خدای ارجمند
هرروز وشب نامش بخوان
منما خدا دور از زبان
یزدان همیشه یار تو
خشنود باد از کار تو

ع - یمینی شریف

۱- نماز

بر هر کس واجب است در هر شبانه روز پنج مرتبه نماز بگذارد اوقات نماز صبح وظهر وعصر ومغرب وعشا است . نماز صبح دو رکعت است و نماز مغرب سه رکعت و باقی نماز ها چهار رکعت است یکی از شرطهای نماز طهارت است وضو از جملهٔ طهارتها است .

وضو - ترتیب وضو این است که با آب پاك و صاف دستها را شویند آنگاه در دل قصد وضو کرده اول صورت را شویند و بعد دست راست سپس دست چپ را از آرنج تا سرانگشتان وپیش از آنکه آب وضو خشك شود کف دست راست را بر پیش سر « بالای پیشانی » بکشند و بلا فاصله پای راست را با دست راست وپای چپ را با دست چپ مسح کنند .

نماز - پس از وضو ساختن نماز میخوانند بدن و جامهٔ انسان در نماز باید پاك باشد لباس نماز گذار و جایی که نماز میگذارد باید غصبی باشد وگر نه نماز درست نیست نماز چهار رکعتی را بدین طریق میخوانند که رو بقبله ایستاده نیت میکنند آنگاه دو دست را تا برابر گوشها بلند ساخته میگویند الله اکبر بعد سورهٔ الحمد و قل هو الله میخوانند وبرکوع میروند و سه بار میگویند سبحان الله آنگاه ایستاده و بعد بسجده میروند وسر ازسجده برداشته پس از لحظه یی نشستن دوباره بسجده میروند و در هر سجده سه مرتبه سبحان الله میگویند و پس از سجدهٔ دوم برخاسته رکعت دوم را شروع میکنند .

در رکعت دوم پس از خواندن حمد و سوره دو کف دست را

۴ ـ عدل

عدل آنست که خدارا عادل بدانیم ومعتقد باشیم که او هیچگاه بندگان خود ظلم میکند بلکه پاداش خوب را خوب و جزای بد را بدمیدهد.

۵ ـ امامت

امامت این است که پیغمبر ما پس از خود دوازده تن را برای راهنمائی امت خویش معین فرموده است.

اول علی بن ابی طالب علیه‌السلام
دوم امام حسن علیه‌السلام
سوم امام حسین علیه‌السلام
چهارم امام زین‌العابدین علیه‌السلام
پنجم امام محمد باقر علیه‌السلام
ششم امام جعفر صادق علیه‌السلام
هفتم امام موسی کاظم علیه‌السلام
هشتم امام رضا علیه‌السلام
نهم امام محمد تقی علیه السلام
دهم امام علی نقی علیه‌السلام
یازدهم امام حسن عسگری علیه السلام
دوازدهم حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام که غایب است و روزی که ظاهر شود دنیا را پراز عدل خواهد کرد

عبادات

عبادات کارهائی است که مسلمانان باید بجا آورند تا خداوند از آنها خشنود باشد عبادات ازفروع دین وشمارهٔ آنها هشت است: نماز و روزه و خمس و زکوة و حج و جهاد و امر بمعروف و نهی از منکر.

۳ـ خمس

بر هر عاقل مکلف واجب است پنج یك از مال خود را بدستوری که در آیین اسلام معین است بامام و بسادات بدهد.

خمس را از گنج و غنیمت جنگ و منفعت تجارت و چند چیز دیگر میدهند.

۴ ـ زکوة

زکوة این است که مقداری از مال خودرا بدستور آیین اسلام بمستحقان بدهند زکوة دو قسم است زکوة مال و زکوة بدن زکوة مال از نه چیز داده میشود گندم و جو و مویز و خرما و شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره زکوة بدن این است که هر کس برای خود و برای هر یك از افراد خانوادهٔ خود درروز عید فطر یك من تبریز از خوراك غالب خویش یا قیمت آنرا بفقرا بدهد.

۵ ـ حج

هر کس که عاقل و مکلف باشد باید در عمر خود یك بار بمکه رود و خانهٔ خدا را بآدابی که پیغمبر ما صلی‌الله علیه‌واله فرموده است زیارت کند بشرط آنکه توانایی داشته باشد.

٦ ـ جهاد

بر هر مسلمانی واجب است که در وقت حملهٔ دشمن اسباب جنگ ساز کند و دشمن را از خاك خود براند.

۷ـ امر بمعروف و نهی از منکر

هر کس باید مردمانرا بکار های خوب که خدا وپیغمبر فرموده‌اند وادارد واعمال بد که نهی کرده‌اند باز دارد بشرط اینکه خوب و بد را بداند وسخنش پیشرفت داشته باشد و ازگفتن آن ضرری بشخص او یا بمسلمان دیگر نرسد.

برابرصورت نگاه داشته این دعا را میخوانند . ربنا آتنا فی الدنیا حسنه وفی الاخرة حسنة آنگاه بقرار رکعت اول رکوع وسجود بجا میآورند و بعد از سجدهٔ دوم نشسته تشهد میخوانند .

تشهد این است **اشهد ان لا اله الاالله وحده لاشریك له و اشهد انّ محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد**

پس از تشهد برخاسته رکعت سوم را شروع میکنند .

در رکعت سوم بجای حمد و سوره سه بار میگویند :**سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر.**

آنگاه رکوع و سجود بجا آورده بر میخیزند و رکعت چهارم را مانند رکعت سوم انجام میدهند .

در این رکعت که رکعت آخر است بعد از سجدهٔ دوم نشسته تشهد میخوانند و آنگاه سلام داده از نماز فراغت حاصل میکنند .

سلام این است **السلام علیکم ورحمةالله و برکاته.**

در نماز مغرب که سه رکعت است تشهد دوم و سلام را بعد از رکعت سوم باید بجا آورد ودرنماز صبح که دو رکعت است پس ازتشهد اول سلام میدهند

۲. روزه

برهر عاقل مکلفی واجب است که درماه رمضان روزه بدارد یعنی هر روز از طلوع فجر تا شامگاه چیزی نخورد و نیاشامد و از آنچه در حال روزه جائز نیست بپرهیزد روزه بر بیمار ومسافر وزنان شیرده وکسانی که روزه سبب رنجوری آنها میشود حرام است وبرپیران واجب **نیست .**

فهرست